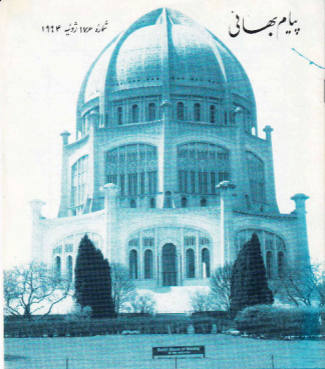


شماره ۱۷۸ ژوئیه ۱۹۹۴

پیام جهانی



یکصدمین سال یادگیری دیانت بهائی در امریکا

### یادداشت ماه

یکصد سال پیش در چنین روزهایی نخستین فرد امریکائی، تورنتن چیس Thornton Chase، ایمان خود را به آئین حضرت بهاء الله اعلام داشت. بدنبال او، که از طرف حضرت عبدالبهاء به لقب ثابت منقخر گشت، جمعی دیگر نیز از زنان و مردانی که راه حقیقت پیموده و منتهای آمال و آرزوهای خود را در پیام الهی یافته بودند ایمان خود را آشکار ساختند. بدینترتیب نخستین پایمهای نفوذ و توسعه دیانت بهائی در نیمکره غربی پیریزی و استوار گردید. در یکصد سال گذشته حوادث بسیار بر امریکا و بر جامعه بهائی آن کشور گذشته، برنامه های گوناگون تبلیغی بمرحله اجرا در آمده، یاران امریکا ندای الهی را به اروپا، شرق دور، و امریکای جنوبی رسانده و نقش بارزی در شکل گیری نظم اداری داشته اند. احباء این کشور اینک همزمان با تمهذات مهمی که در نقشه سه ساله برای پیشبرد برنامه های گسترده تبلیغی در این سرزمین وسیع دارند، این رویداد تاریخی و بزرگ یعنی صدمین سال پاگیری امر مبارک را جشن می گیرند و با تشکیل جلسات و سمینارها و نمایشگاهها و غیره تاریخ یکصدساله امر را در امریکا ورق می زنند.

پیام بهائی این سالگرد پر میمنت را به جامعه بهائی امریکا تبریک می گوید و بدین مناسبت در طول امسال مقالات و مطالبی در رابطه با تاریخچه امر در امریکا و وضع اجتماعی و فرهنگی آن کشور منتشر خواهد نمود.

### فهرست مندرجات

از آثار مبارکه / ۳	چگونه کلی شکفت / ۲۱
یکصدمین سال پاگیری امر الهی	آثار الله در شریعت اعلی / ۲۶
در امریکا / ۵	سلامت و تعادل کره خاک مورد
نگاهی گذرا به خدمات صدساله یاران	تهدید است / ۳۴
امریکای شمالی / ۸	معرفی کتاب، رساله، مدنیه و مسأله تجدّد
بلای ناگهانی / ۱۲	در خاور میانه / ۳۷
گزارش جهانی تعلیم و تربیت در	از گلخن فانی به گلشن باقی / ۳۹
سال ۱۹۹۳ / ۱۸	نامه های خوانندگان / ۴۱
	اخبار و بشارات جهان بهائی / ۴۴

عکس روی جلد: مشرق الاذکار امریکا

عکس پشت جلد، مجسمه آزادی که در دهانه بندر نیویورک نصب شده. بمناسبت مقالات این شماره در مورد یکصدمین سال پاگیری امر مبارک در امریکا.

## علت ظهور مظاهر مقدسه از خطابات مبارکه حضرت عبدالمجید

حقیقت انسانی بین ظلمت و نور است و دارای سه صورت : صورت ملکوتی ، صورت انسانی و صورت طبیعی . صورت طبیعی ظلمت اندر ظلمت است و مایه رحمت و ذلت و سبب نزاع و جدال و حرب و قتال ، اما صورت ملکوتی که منتهی رتبه عالم انسانی است نور علی نور است و وسیله حصول سعادت عظمی و مراتب صلح و صلاح و عز و جلال . مظاهر مقدسه الهیه به جهت این ظاهر شدند که ظلمات عالم حیوانی را به انوار صفات ملکوتی زایل نمایند و تقاضای عالم طبیعت را به کمالات الهیه تبدیل کنند تا جهت ملکوتی غالب آید و صورت و مثال الهی در عالم انسانی جلوه نماید . نورانیت الهی و فضائل رحمانی ظاهر شود پس این مطالع مقدسه مرتبی عالم وجودند و معلم عالم انسانی ... اگر ظهور مظاهر مقدسه نبود جمیع بشر در صفت حیوان بودند بلکه پست تر ... عالم خلقت به مقتضای طبیعت جنگل و خارزار است و مظاهر مقدسه باغبان الهی و مرتبی عالم انسانی که به تربیت عالم وجود پرداختند تا اشجار نفوس سرسبز و خرم ماند ، لطافت و نفاقت باید و اثمار طبیعت دهد ، سبب زینت حدائق انسانی گردد .

از بدایت تاریخ عالم تا حال آنچه سبب عمران و ترقی بوده محبت و الفت بین بشر بوده ، جمیع ایما برای لغت و اتحاد ظاهر شدند جمیع کتب سماویه به جهت مودت و یگانگی نازل گشته جمیع فلاسف خدمت به وحدت عالم انسانی نمودند . ادیان الهی سبب الفت و یگانگی است زیرا اساس جمیع ادیان یکی است ... چه که هر دینی از ادیان به دو قسم منقسم است قسمی اصل است که خدمت به عالم انسانی کند و آن فضائل عالم انسانی است ، معرفت الهی است ، فلسفه ربانی است ، وحدت بشر است ، ترقیات روحانی ، کشف حقایق اشیاء و سعادت و محبت نوع انسان است . در این قسم هیچ اختلافی نیست . این منطوق دین موسوی و اساس تعالیم مسیحی و اصل آئین محمدی است اما قسم ثانیه

که فرج است و تعلق به معالمت دارد این فرج حسب اقتضای زمان و مکان تغییر میکند مقصد نیست که احد  
در فرج است اما اصل و اساس او یان الهی یکی است ...

جمع بسیاری الهی به حقیقت دعوت نمودند. مقصود کلی یکی است و آن ترقی و عزت عالم انسانی و مدینت  
آسمانی است ... ملاحظه نمایند که حضرت محمد در بین اقوام وحشی عرب تولد یافت و زندگانی فرمود به ظاهر الهی  
و بی خبر بود و اقوام عرب در نهایت جهالت و همی به قبیله و خزان خود را زنده زنده زیر خاک می نمودند و این را نهایت  
فخر و حمیت و علو حضرت می شمردند و در تحت حکومت ایران و رومان در نهایت ذلت و اسارت زندگانی می نمودند و  
با دیده عرب پراننده بودند و با یکدیگر عرب و قتال می کردند چون نور محمدی طالع شد ظلمت جهالت از بادیه عرب زایل  
گشت آن اقوام متوحشه در اندک زمانی به منتهی درجه مدینت رسیدند چنان که از مدینت ایشان در اسپانیا و بغداد و  
ایالی اروپا استفاده کردند ...

فلاسفه گفته اند که مرتبی بشیرند ولی در تاریخ نظر کنید قادر بر تربیت خود یا معدودی قلیل بودند لکن تربیت عمومی را از عمده بر نیامدند ولی  
قوة روح القدس تربیت عمومی نماید مثلاً حضرت مسیح تربیت عمومی کرد، اهل کثیره را از عالم اسارت بت پرستی نجات داد و جمیع را  
به وحدت الهی دلالت کرد ظلمانی را نورانی کرد جسمانی را روحانی کرد عالم اخلاق را روشن نمود و نفوس ارضی را آسمانی فرمود و  
این به قوة فلاسفه نمی شود و لکن به قوة روح القدس می شود لهذا هر قدر عالم انسانی ترقی نماید باز ممکن نیست به درجه  
برسد الا به تربیت روح القدس لهذا به شما و جنیت می گویم که در مسکن تربیت روحانی باشید چنانچه در آیات به این وجه  
رسیده اید همین طور بکشید تا در مدینت روحانیه ترقی نمایند ...

#### معانی لغات دشوار

قتال - کشتار یکدیگر ، علا - بلندی ، عز - عزت ، ضقع - جا و مکان ، اشجار - درختان ، اثمار - میوه ، صینب -  
نوش و گوارا ، سماویه - آسمانی ، منطوق - گفته شده و مضمون ، اُمّی - بی سواد ، همجی - نادانی ، حمیت - غیرت  
علو - بلندی ، مدینت - تمدن ، قوة روح القدس - قوة کلمه الهی و سیروی طبعش از حق

بیک  
تاریخ  
ب  
پیش در  
در عصر  
تا آن  
یعنی  
مرزهای  
نه  
نروشید  
مخافت  
حضرت  
از تابش  
بخشید  
پایان  
سخت  
زائری  
فرخو  
سرزمین  
مشت  
هنک  
که  
آن  
تاریخ  
نخستین

# یکصدمین سال پاگیری امر الهی در امریکا

با اقبال نخستین فرد غربی که یکصد سال پیش در امریکا ایمان خود را به مظهر ظهور الهی در عصر حاضر آشکار ساخت، دیانت بهائی که تا آن هنگام هنوز در محیط تولد و رشد خود یعنی شرق قرار داشت ابعاد تازه ای گرفت و مرزهای جدیدی یافت.

نهال تازه امر بهائی در امریکا هنوز از خاک نروئیده دستخوش طوفانهای سهمناک نقض و مخالفت شد اما دستهای توانای مرکزعهد الهی حضرت عبدالبهاء بسرعت به حفظ آن پرداخت، از تابش خورشید تابان میثاق به آن نشو و نما بخشید و با آب حیات بخش عشق و محبت بی پایان خود آنرا قوت و قدرت عطا فرمود. در سخت ترین شرایط زندگانی در زندان عکا زائرین امریکائی را به بارگاه عشق و پیمان فراخواند و آنانرا سرشار از مستی ایمان روانه آن سرزمین پهناور فرمود تا بسهم خود سایر مشتاقان را سهمی از این شور عشق عطا کنند. هنگامی که دیوارهای زندان فرو ریخت در سن کهولت سفری طولانی و دشوار به شرق و غرب آن قاره آغاز فرمود که بدون تردید از وقایع تاریخی جهان بشمار خواهد آمد. چه که برای نخستین بار شخصیتی این چنین روحانی از شرق

عازم قاره جدید می شد و پیام دوستی شرق و غرب و صلح عمومی را در زیر آسمان آن طنین انداز می ساخت

بدین ترتیب قوای جانبخشی که در آئین الهی نهفته بود به مردمانی با فرهنگ و مذهب و آداب و سنن دیگر شور زندگانی عطا کرد و آنانرا با پیام وحدت عالم انسانی راهی سرزمینهای تازه و ممالک و قارات دور و نزدیک نمود.

سهمی که بهائیان امریکا در گسترش آئین یزدانی در امریکای جنوبی، اروپا، شرق دور و ژاپن، استرالیا و نیوزیلند ایفا نمودند همواره بر تارک خدمات جاودانی آنان خواهد درخشید. جانفشانیهای مهاجران امریکائی در سختترین نقاط جهان، و پایمردی و ایستادگی آنان در برابر سختیها و مشکلات طاقتفرسا که ناشی از عشق و تمسک شدید آنان به امر الهی است تا قرن ها الهام بخش نسل های آینده مهاجرین بهائی در سراسر جهان خواهد بود. بنا ساختن نظم اداری حضرت بهاء الله به هدایت حضرت ولی امرالله، و به پایان رساندن نقشه های مختلف تبلیغی که همگی از فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء الهام می گرفت همواره جزء افتخارات آن جامعه بشمار خواهد آمد. ساختمان دومین

مشرق الاذکار در شیکاگو، طبع و نشر آثار بهائی بزیان انگلیسی، اعزام یارانی به ایران در اوایل قرن حاضر برای تدریس در مدارس بهائی و ایجاد بیمارستان، و دفاع از حقوق این جامعه مظلوم در مجامع بین المللی و دهها خدمات درخشان دیگر از جمله دستاوردهای جامعه بهائی امریکا بشمار می رود.

برای رسیدن به شاهراه خدمت و جانفشانی و نمودار ساختن اهداف و آرمانهای دیانت بهائی، این جامعه از تنگناهای مختلف گذشته، با مشکلات گوناگون روبرو بوده، و فداکاریهای بیشمار نموده است. اینک در آستانه دومین قرن تاریخ خود مصمم تر و پویا تر از هر موقع برای اتمام نقشه سه ساله و رساندن پیام الهی به هزاران بلکه میلیونها از هموطنان خود با شوری جدید بپاخاسته و بر آنست تا تبلیغ دسته جمعی را که در پیام های بیت عدل اعظم الهی نوید صریح آن داده شده بمرحله اجرا و عمل درآورد.

در عین حال در آستانه این قرن دوم جامعه بهائی امریکا از موقعیت ممتاز دیگری نیز برخوردار است و آن حضور تعداد زیادی از یاران مهد امرالله در سراسر آن کشور می باشد. اگر در آغاز پاگیری دیانت بهائی در امریکا افراد زبان دان و مطلع به تعداد کافی در میان ایرانیان وجود نداشت که هیکل مقدس حضرت عبدالبهاء آنانرا به امریکا اعزام فرمایند و لاجرم به ارسال چند تن از برجستگان بهائی با مترجمین اکتفا فرمودند اینک هزاران بهائی ایرانی در آن قاره پراکنده اند و اغلب آنان دارای تحصیلات عالی و امکانات مناسب برای تبلیغ و مهاجرت میباشند. اگر جامعه بهائی امریکا در دهه بیست و سی این قرن تعدادی از افراد خود را برای برپاساختن مدارس و ایجاد بیمارستان و کمک به پیشرفت

بانوان بهائی به ایران فرستاد اینک ایرانیان بهائی که آن کشور را برای اقامت اختیار نموده و به عنوان سرزمین تازه خود بشمار می آورند باید با همان روح فداکاری و ایثار و آمادگی به خدمتی که در خواهران و برادران امریکائی آنان موجود بود به همکاری و همیاری و همدلی با بهائیان و غیر بهائیان آن کشور پردازند و دوش بدوش دیگر بهائیان در تبلیغ و آوردن تودههای بزرگ مردم به آئین الهی از هر نژاد و مذهب بکشند.

در آستانه دومین قرن نفوذ آئین الهی به امریکا به این حقیقت معترف گردیم که چگونگی شکل گیری این جامعه در قرن آینده نه تنها برای بهائیان بومی آن کشور بلکه برای بهائیان ایرانی تبار نیز حائز اهمیت و سرنوشت ساز است. اینک ده پانزده سالی از شروع موج مهاجرت بهائیان ایرانی به امریکا گذشته و سالهای نیمه بحرانی و مشکلی که هر تازه واردی باید طی کند سپری شده است. مطابق آماري که مقامات امریکائی منتشر کرده اند اقلیت ایرانیان به نسبت سایر اقلیت ها از بالاترین رفاه و تحصیلات و مقام اجتماعی برخوردارند. این نکته بدیهی است که در میان ایرانیان، جمعیت بهائی چه از لحاظ دانش و معلومات و دستاوردهای اجتماعی و چه از لحاظ تطابق خود با محیط، در همه جای دنیا موفق تر و پیشگام تر بوده است. نکته اینجاست که ما از این توفیق که در پرتو موهبت الهی بآن دست یافته ایم چگونه استفاده کنیم. اگر در آغاز این قرن ایرانیان انگشت شماری که باراده حضرت عبدالبهاء به امریکا آمدند میبایست بکمک مترجم امر را تبلیغ کنند اینک هزاران ایرانی بهائی انگلیسی دان در آن سرزمین وجود دارند اگر در آن موقع امر بهائی در بین جوانان و نوجوانان امریکائی نفوذی

متأسفانه مبنای روابط انسانی بر پول و ماده پرستی نهاده شده است، انسان بصورت ماشینی برای تحصیل دلار در آمده، برنامه های تلویزیونی که روز و شب از صداها کانال پخش می شود چون تریاک میلیونها نفر را به تخدیر و رؤیا و بی خبری می کشاند و عامل اشاعه فساد و خشونت و آدم کشی است. سوداگران مواد مخدر و آلات مرگ را برای رسیدن به هدفهای خود که جمع آوری ثروت های افسانه ای و بیکران به بهای جان میلیونها مردم بیگناه است مرزی نمی شناسند، علیرغم سالها مبارزه برای ایجاد حقوق مساوی بین سیاهان و سفید پوستان هنوز این جامعه از این گرفتاری که چون سرطانی پنجه در ارکان آن انداخته در رنج است، و با آنکه امریکا را غنی ترین کشور جهان می دانند تعداد بی خانمانان و گرسنگان و بی کاران و خانه بدوشان و بیمارانی که برای معالجه راه بجائی ندارند روز بروز در تزیاید می باشد.

اینجاست که رسالت بزرگ جامعه بهائی امریکا در آغاز دومین قرن ورود امر الهی در آن کشور معلوم می شود. در مورد این قاره و سرنوشت آن هیچ بیانی مانند آنچه از قلم توانای حضرت ولی امرالله قریب پنجاه سال پیش صادر شد نمی تواند گویای رنجهای جامعه سرمایه داری امریکا و فوریت و اهمیت پیام الهی برای پایان دادن به این نابسامانی ها باشد.

امریکا کشور امکانات بی شمارست، وعودی که از قلم حضرت عبدالبهاء در مورد آینده این کشور نازل شده هیجان انگیز و جانفزاست اما همه اینها نیاز به کوشش و تلاش پی گیر و خستگی ناپذیر ما برای ایجاد حیات بهائی و اشاعه این پیام جانبخش دارد.

پیام بهائی

نداشت اینک هزاران جوان پرشور چه ایرانی تبار و چه امریکائی می توانند پیام آور ندای الهی در کالجها، دانشگاهها، مؤسسات علمی و فرهنگی باشند، و اگر آن موقع مرکز و مقامی برای امر در امریکا وجود نداشت امروز نه تنها مشرقالاذکاری زیبا و مرکز اداری و تشکیلاتی وسیع و فعال در اختیار جامعه است، بلکه جامعه بهائی در میان دولتمردان و رهبران فکری و اجتماعی آن کشور از موقعیت و حیثیتی مطلوب برخوردار می باشد.

حال که نقشه الهی گسترده شده و با رهنمودهای بیت عدل اعظم الهی، نیت و همت یاران امریکا با هر سابقه و پشتوانه ملی و فرهنگی بر توسعه و تبلیغ امر استوار است یک نکته اساسی را نباید از نظر دور داریم:

هدف تبلیغ در امریکا - و هر نقطه دیگر - فقط ازدیاد تعداد بهائیان نیست بلکه کوشش در پراکندن پیام الهی و اشاعه نور جانبخش صلح و آشتی در ظلمات جهان مادگیری و پول پرستی است. امریکا با تمام قدرت مالی و نظامی و علمی خود از مشکلات و مصیبت های بیشمار رنج می برد و هنوز راههای طولانی باید بیمایند تا بتواند جامعه ای بر اساس عدالت اجتماعی و حقیقت و راستی بنا نماید. بنا بر این باسانی می توان دید که اهداف آئین بهائی با اهداف دولتمردان و برنامه ریزان فرهنگی و اقتصادی آن کشور دو راه مختلف می رود. هدف یکی روحانی و معنوی است. در پی رفع تبسمیضات نژادی، ایجاد حقوق مساوی برای همه مخصوصا بین زنان و مردان، حق تعلیم و تربیت همگانی و عمومی، ایجاد عدالت اجتماعی، ریشه کنی ظلم و فساد اخلاقی و آلودگیهای دیگر اجتماعی است. این ها همه باید در جامعه ای صورت پذیرد که در آن

# نگاهی گذرا به خدمات صدساله پاران امریکای شمالی

دکتر عزت الله راسخ



تورنتون چیس نخستین مؤمن غربی که به لقب ثابت  
مفتخر گشت.

خانم هرست Hearst زوجه سناتور امریکائی و  
صاحب مطبوعات پر نفوذ امریکا اشاره کرد. در  
زیر بطور اختصار به شرح احوال چند تن از  
بهائیان اولیه امریکا و خدماتشان به امر مبارک  
می پردازیم.

۱- فاتح اروپا و امریکای جنوبی، می بولز  
در سال ۱۸۹۸ ابراهیم خیرالله با گروهی  
مرکب از پانزده تن از بهائیان امریکائی عازم  
زیارت حضرت عبدالبهاء در عکا شدند. این  
گروه سر راه در پاریس توقف نمودند و در همین  
سفر بود که خانم هرست با دوست خانوادگی  
خود خانم مری مارتین بولز Mary Martin

حضرت اعلی در قیوم الاسماء می فرمایند؛  
"یا اهل المغرب اخرجوا من دیارکم لنصرالله" و  
حضرت بهاء الله فرموده اند؛ "انه اشرق من جهة  
الشرق و ظهر فی الغرب آثاره." این بیانات  
مقدسه که نفوذ امر الهی را در غرب جهان نوید  
می داد با ایمان نخستین فرد از جهان غرب در  
ژوئن ۱۸۹۴ تحقق پذیرفت.

در ۲۳ سپتامبر ۱۸۹۳ در جلسه کنکوره  
جهانی ادیان در شیکاگو کشیشی امریکائی  
ساکن سوریه برای نخستین بار از دیانت بهائی  
نام بیان آورد و متن بیانات جمال مبارک را در  
مصاحبه با ادوارد براون برای حضار خواند.  
کمتر از یکسال قبل از این تاریخ یعنی در  
دسامبر ۱۸۹۲ دکتر ابراهیم خیرالله که اصلا  
مسیحی بود و در سوریه توسط جناب حاج  
عبدالکریم طهرانی به امر مبارک ایمان آورده بود  
برای تبلیغ امر الهی به امریکا آمد و در نیویورک  
مسکن گزید. بزودی با تشکیل کلاسها و پخش  
مواد درسی و روش خاصی که خود برگزیده بود  
گروهی به دیانت بهائی ایمان آوردند. از میان این  
عده می توان به تورنتون چیس Thornton  
Chase نخستین بهائی غربی که در سال  
۱۸۹۴ ایمان آورد، دکتر ادوارد گتسینگر Dr.  
Edward C. Getsinger و همسرش لوا Lua و





رابرت ترنر نخستین بهائی سیاه پوست امریکائی

پانسیون در رم با خانم دیکسون و دو دخترش که از ارض اقدس مراجعت می کردند آشنا شد. خانم دیکسون بدون آنکه نامی از ظهور الهی ببرد به او کتابچه مناجات و کلمات مکتونه اهداء نمود و او را با خانم می بولز آشنا کرد. خانم الکساندر در نوامبر همان سال در خانه خانم بولز امر مبارک را تصدیق کرد و برای فتح روحانی جزایر هاوایی به آن سرزمین رفت. پس از ۱۲ سال خدمت در هاوایی، حضرت عبدالبهاء وی را مامور تبلیغ در ژاپن فرمودند. مشارالیه در سال ۱۹۱۴ وارد ژاپن شد و مدت ۲۲ سال در آنجا اقامت گزید. از ژاپن سفرهای تبلیغی به کره، تایوان، هنگ کنگ، فیلیپین و کشورهای دیگر نمود. در ۲۷ مارچ ۱۹۵۷ از طرف حضرت ولی امرالله بمقام ایادی امرالله مفتخر شد و در سال ۱۹۷۱ درحالی که عمری خدمت و جانفشانی پشت سر داشت در هاوایی صعود نمود.

۴ - فاتحین استرالیا خانم و آقای دان. بهائیان استرالیا آقای هاید دان Hyde Dunn و خانم کلارا دان Clara Dunn را پدر و مادر روحانی خود بشمار می آورند. آنان اصلا انگلیسی بودند ولی در غرب امریکا سکونت داشتند. قبل از آنکه با یکدیگر ازدواج نمایند آقای دان در سال ۱۹۱۱ با شرکت در جلسات تبلیغی خانم

Bolles (مادر بزرگ امة البهاء روحیه خانم) دربارہ امر مبارک صحبت کردند، و دختر پانزده ساله ایشان خانم می بولز May Bolles (مادر امة البهاء روحیه خانم) همراه این گروه عازم ارض اقدس گردیدند. این زیارت اثر فوق العاده ای در این گروه گذاشت بطوریکه بکوشش خانم می بولز در سالهای بین ۱۸۹۹ و ۱۹۰۲ افراد بسیاری که بعد ها هر یک در عالم امر مصدر خدمات بزرگ شدند تبلیغ گردیدند. مشارالیه در سال ۱۹۰۲ با آقای ساترلند ماکسول کانادائی که از دانشکده معماری پاریس فارغ التحصیل شده بود ازدواج کرد و این زوج محترم یکسال بعد ساکن شهر منترآل در کانادا شدند. خانه این زن و شوهر جوان مرکز فعالیت های بهائی شد، و همانجا بود که افتخار مهمانداری از حضرت عبدالبهاء را در سال ۱۹۱۲ یافتند. خانم و آقای ماکسول سفرهای تبلیغی فراوان به اروپا، و امریکای جنوبی انجام دادند. خانم می ماکسول با وجود کسالت مزاج در صدد اقدام به سفر تبلیغی دیگری به امریکای جنوبی بودند ولی در ۲۰ فوریه ۱۹۴۰ در شهر بوئنوس آیرس صعود نمودند. حضرت ولی امرالله بخاطر خدمات جاویدان ایشان، مقام شهید به مشارالیه اعطا فرمودند.

۲- لوئیزا مور Louisa Moore این خانم محترم که بخاطر نام خانوادگی همسرش او را بیشتر به لوا گتسینگر می شناسیم آنچنان سوابق خدمات تبلیغی دارد که هیکل مقدس حضرت عبدالبهاء او را لوا (پرچم) و ام المبلغات غرب لقب داده اند. شرح خدمات ایشان در اغلب نشریات از جمله بارها درج شده است.

۳ - اگنس الکساندر Agnes Alexander فاتح جزایر هاوایی و ژاپن و کره و کشورهای جنوب شرق آسیاست. در سال ۱۹۰۰ در

گتسینگر در شهر سانفرانسیسکو ایمان خود را به امر الهی آشکار ساخت و خانم آینده ایشان کلارا، با زیارت حضرت عبدالبهاء در همان شهر تصدیق نمود. ازدواج آنان در سال ۱۹۱۷ انجام یافت و در سال ۱۹۲۰ برای تبلیغ امر به استرالیا رفتند. با آنکه با مشکلات و گرفتاریهای بیشمار روبرو گردیدند مع هذا تمام آن قاره را برای تبلیغ زیر پا گذاردند و در سال ۱۹۲۳ سفری تبلیغی به نیوزیلند رفتند. نتیجه خدمات ایشان تشکیل سه محفل ملی استرالیا، نیوزیلند و محفل ناحیهای جنوب پاسیفیک بود. خانم دان در سال ۱۹۵۴ به مقام ایادی امرالله مفتخر شد و همسرش نیز پس از صعود به این رتبه نائل گردید.

۵ - سرور مبلغین و مبلغات مارثا روت - این بانوی نامدار که در آغاز جوانی شغل خبرنگاری روزنامه داشت در یک رستوران از فردی بهائی در مورد امر مبارک شنید و پس از تحقیق ایمان آورد و در خدمت شعله آتش شد. از سال ۱۹۱۹ که با ابلاغ فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء عازم سفر تبلیغی شد تا صعودش در ۱۹۲۹ دمی از پای نایستاد. بفرموده حضرت ولی امرالله پنج بار دور دنیا را برای ابلاغ پیام الهی دور زد. با رجال و سیاسیون و پادشاهان و دانشمندان درباره امر گفتگو نمود و هم او بود که ملکه رومانی را به امر الهی هدایت کرد. پس از صعودش حضرت ولی امرالله وی را "سرور مبلغین و مبلغات" و "بهترین و لطیف ترین ثمره ای که دوره تکوین پرورانده است" نامیدند.

نقش بهائیان امریکا در توسعه

مؤسسات اداری

در فاصله سالهای ۱۹۲۷ و ۱۹۳۶ حضرت ولی امرالله در طی مکاتباتی با یاران ایالات متحده و کانادا، نظم بدیع حضرت بهاء الله و نیز اساس نظم اداری را تشریح فرمودند.

( مجموعه این توقیعات بعداً تحت عنوان نظم جهانی بهاء الله The World Order of Baha'u'llah و تشکیلات بهائی - Baha'i Administration منتشر گشت.) بر اساس این تعالیم جامعه بهائی امریکا و کانادا اساسنامه و مقررات مربوط به تشکیلات اداری را تهیه و به تصویب هیکل مبارک رساندند. آنچه امروز در دنیای بهائی بنام تشکیلات ملی و محلی و کمیته ها و لجنات و مدارس تابستانه و زمستانه و غیره می بینیم هرچند بنیاد آنها را در نصوص مبارک باید جست اما از نظر تفصیلات اجرایی مرهون احیاء امریکائی است.

کمک به توسعه امور اجتماعی مهد امرالله

در سال ۱۹۰۸ بهائیان ایران از بهائیان امریکا درخواست اعزام یک پزشک زن به ایران نمودند. این تقاضا به عرض هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء رسید و بدستور حضرتشان دکتر مودی در سال ۱۹۰۹ وارد ایران شد و مدت ۱۵ سال بیماران را در مطب خود و تنها بیمارستان کوچک خصوصی آن زمان بنام صحت مداوا می کرد. در آن زمان در سراسر ایران حتی یک پزشک زن وجود نداشت و خدمات دکتر مودی به بیماران چه بهائی و چه غیر بهائی بسیار گرانبها بود. علاوه بر خدمات پزشکی چون دکتر مودی از وضع ناگوار بانوان ایران رخ می برد فعلاً کوشید تا مدرسه تربیت دختران طهران با سی نفر افتتاح شد که بزودی دامنه آن وسعت گرفت و بانوان بهائی دیگر از امریکا از جمله خانم لیلیان کیپس Lillian Kappes در توسعه آن کوشش فراوان مبذول داشت. خانم دکتر مودی در سال ۱۹۳۴ در طهران صعود یافت. بدنبال صعود خانم کیپس که نه سال پس از ورودش به ایران رخ داد کانونشن ملی بهائیان امریکا خانم دکتر کوی را که دکتر روانشناس بود برای اداره مدرسه تربیت



جمعی از بهائیان امریکائی در منزل خانواده True در شیکاگو تقریباً سال ۱۹۱۱. جناب تورنتورن چیس در ردیف ایستاده نفر سوم از سمت راست دیده می شوند.

کردند. چند سال بعد خانم کهلر Mrs. Kehler به نمایندگی از محفل امریکا برای دادخواهی به ایران آمدند ولی تلاشهایشان بدون ثمر ماند. مشارالیها در سال ۱۹۲۲ در اصفهان به بیماری آبله صعود نمودند و حضرت ولی امرالله ایشان را شهید راه امر در خاک ایران بخاطر دوستان بهائی ایرانی نامیدند و به آن بانوی فداکار مقام ایادی امرالله اعطا کردند.

سوی آن احباء امریکا به نمایندگی از بهائیان مصر و سایر نقاط شرقی نیز در مراجع بین المللی اقدامات موثر انجام داده اند که شرح جزئیات آن در مطبوعات بهائی و کتابهای عالم بهائی آمده است. از جنگ دوم جهانی به بعد اینگونه دادخواهی ها جنبه بین المللی پیدا کرد و از طریق دفترجهائی جامعه بهائی که عضو غیر دولتی سازمان ملل متحد است صورت می گیرد.

آنچه در بالا آمد گذری به اختصار در مورد خدمات یاران امریکا بود. بدیهی است شرح هر یک از بخشهای این مقاله نیاز به بحث و مقالات مفصل دیگر دارد.

انتخاب نمود. پس از مشارالیها خانم الیزابت استورات به این مأموریت برگزیده شد. در سال ۱۹۲۸ خانم میس شارپ به ایران آمد و تا پایان عمر خود در سال ۱۹۷۶ بخدمات گوناگون در ایران نائل بود.

#### دفاع از بهائیان ستمدیده ممالک شرق

در سفر دوم مظفرالدین شاه به غرب، بدستور حضرت عبدالبهاء خانم لوا گتسینگر و مسیو دریفوس نخستین بهائی فرانسوی بدیدن شاه و صدر اعظم او اتابک اعظم رفته و از ظلمهای وارده بر بهائیان ایران دادخواهی نمودند. گرچه شاه و صدر اعظم از نفوذ امر جمال مبارک در غرب دچار حیرت شده و وعده مساعدت دادند اما عملاً نتیجه ای حاصل نشد. در سالهای بعد از تغییر سلطنت از سلسله قاجار به پهلوی آزار و اذیت بهائیان شدت یافت و در جهرم و قمصر و فاران و شهرهای دیگر خراسان عدهای بهائی شهید شدند. آقای هوراس هولی منشی محفل ملی امریکا در سال ۱۹۲۶ شکایت نامهای به شاه ایران نوشته تقاضای رسیدگی به این ظلمها

# بلای ناگهانی

روح الله مهرباخانی

در سالهای اخیر اصطلاح «بلای ناگهانی» که در کلمات مبارکه مکتونه از قلم اعلی نازل شده موجب بروز تعبیرات و انتظاراتی گردیده که با روح فعال و اصل تبلیغ دائمی و تلاش پی‌گیر در اشاعه امر که خصیصه ذاتی دیانت بهائی است سازگاری ندارد. در این مقاله نویسنده محترم بحثی را در این مورد آغاز نموده‌اند که امیدواریم در شماره‌های آینده نیز دنبال نمائیم.

فائده‌ای برای دوستان باشد.

قبل از ورود به این مطلب باید نصوص کتبی را از مطالب شفاهی جدا نمود، چه که در کنار آثار کتبی مقداری آثار شفاهی و یادداشت‌های زائرین موجود است که به صورت نوشته در بین دوستان پخش شده و دست بدست می‌گردد. این یادداشت‌ها در بعضی مواقع مخلوطی از نصوص الهی و مطالب شفاهی‌اند.

در امر مبارک اصلی موجود است و آن این است که احادیث لفظیه و روایاتی که از طلعات قدسیه نقل می‌شود دارای اهمیت و اعتباری نیست مگر آنکه آن مطلب شفاهی به تصدیق و امضای آن طلعت مقدس مزین شده باشد. کسانی که از تاریخ ادیان گذشته صاحب اطلاعند می‌دانند که تا چه حد این احادیث و اخبار علت تدنی و بروز اختلاف بین پیروان آن ادیان بوده است. لذا در یکی از الواح حضرت عبدالبهاء مطلبی مذکور است که مضمون آن چنین است: «شما درباره زائرین و یادداشت‌های زائرین نوشته‌اید. هر مطلبی که مؤید به نص نباشد قابل اعتبار نیست. مطالب شفاهی ولو صحیح باشند باز هم باعث اشتباه می‌شوند. برای اهل بهاء نصوص و فقط نصوص قابل اعتبارند.»<sup>۱</sup>

در یکی از توابع حضرت ولی امرالله چنین مذکور است: «حضرت بهاءالله تصریح

در آثار مبارکه این ظهور بدیع در مواقع مختلف اشاره به مصائب و بلایانی شده که جامعه انسانی می‌بایستی با آن روبرو شود. از جمله در کلمات مکتونه فارسی که در صبحدم ظهور در بغداد نازل شده قلم حق به این بیان ناطق: «بگو ای اهل ارض برآستی بدانید که بلای ناگهانی شما را در پی است و عقاب عظیمی از عقب گمان مبرید که آنچه را مرتکب شدید از نظر محو شده. قسم به جمال که در الواح زهرجدی از قلم جلی جمیع اعمال شما ثبت گشته.» نیز در لوح دیگری از لسان عظمت چنین جساری شده است: «بگو ای نادانان گرفتاری ناگهانی شما را از پی. کوشش نمائید تا بگذرد و به شما آسیب نرساند.»<sup>۲</sup>

از این قبیل بیانات در آثار ربّ اعلی، جمال ابهی، مرکز میثاق و حضرت ولی امرالله موجود است و وجود این آثار باعث آن گردیده که دوستان الهی از آنجا که هر مؤمنی در نوع درک معانی آثار الهی به حسب فهم خویش آزاد است، در این باره تعبیرات متعدد معمول دارند و ناطقین بهائی احیاناً برای تشویق احباء به انقطاع و فداکاری آنها را به نزدیکی اتفاقات عظیمه و بلایای وارده جهانگیر تخویف و انذار نمایند. مقصود نگارنده در این مقاله مطالعه مختصری درباره این نوع آثار است که امید است مفید

غوطه‌ور خواهند شد و صلح عمومی یعنی صلح اصغر به قیمت گرانی برای جهانیان بدست خواهد آمد. نصوص الهیه در این باره زیاد است. ذیلاً به ذکر چند بیان مبادرت می‌ورزد:

قلم اعلی در سوره، ملوک خطاب به سلاطین و زمامداران دنیا به این بیان مبارک ناطق: «اتقوا الله یا ایها الملوك و لا تتجاوزوا عن حدود الله ثم اتبعوا بما أمرتم به فی الكتاب و لا تكونن من المتجاوزین... ثم اصلحوا ذات بینکم و قتلوا فی العساکر لیقل مصارفکم و تكونن من المستریحین. و ان ترتفعوا الاختلاف بینکم لن تحتاجوا الی کثرة الجیوش الا علی قدر الذی تحرسون بها بلدانکم و ممالکم اتقوا الله و لا تسرفوا فی شئی و لا تكونن من المسرفین. و علمنا بأنکم تزدادون مصارفکم فی کلّ یوم و تحمّلونها علی الرعیة و هذا فوق طاعتهم و ان هذا لظلم عظیم... ان لن تستنصحوها بما انصحناکم فی هذا الكتاب بلسان بدع مبین یاخذکم العذاب من کلّ الجهات و یأتیکم الله بعدله إذا لا تقدرون ان تقوموا معه و تكونن من العاجزین. فارحموا علی انفسکم و انفس العباد...»<sup>۵</sup>

مضمون بیانات مبارکه، فوق به فارسی چنین است: «ای پادشاهان از خدا بپرهیزید و از حدود الهی تجاوز نمائید و پیرو آنچه خدا در کتاب امر فرموده بشوید. و از متجاوزین مباشید. سپس امور بین خودتان را اصلاح نمائید و از شمار لشکرهاى خود بکاهید تا بدینوسیله مصارف شما کم شود و باعث راحت شما فراهم آید و اگر اختلافات بین خودتان را رفع نمائید هرگز احتیاج به کثرت قوای نظامی نخواهید داشت، مگر به اندازه‌ای که بتوانید در داخل شهرها و کشورهاى خود امنیت ایجاد نمائید. از خدا بپرهیزید و در چیزی اسراف نمائید. ما می‌دانیم که شما هر روز بر مخارج خود می‌افزائید و آن را تحمیل به رعیت می‌کنید و این فوق طاقت آنهاست و این ظلم بزرگی است... اگر نصیحتی

فرموده‌اند فقط آثاری که به صورت الواح نازل شده است در مورد احبّاء حاکم و نافذ است. در میان روایات ممکن است مطالب مفیدی یافت شود، ولی بهیچوجه دارای اعتبار و سندیت نخواهد بود. این تعلیم اصلی و اساسی حضرت بهاء‌الله به منظور اینست که دیانت بهائی را از مفاسدی نظیر دوره اسلام که برای تمام روایات منسوب به حضرت محمد اعتبار و سندیت قائل است محافظه نماید.»<sup>۶</sup>

در یکی دیگر از توابع مبارکه چنین مذکور است: «حضرت شوقی افندی غالباً فرموده‌اند که یادداشتهای زائرین بایستی برای استفاده خود آنها باشد و ابداً دارای اعتبار برای دیگران نیست. هر وقت ایشان مایلند مطالبی را به همه دوستان ابلاغ فرمایند آنها را در رقائم عمومیّه مرقوم می‌فرمایند.» (ترجمه به مضمون)<sup>۷</sup>

مطالعه نصوص بالا معلوم می‌دارد که درباره هر مطلبی، علی‌الخصوص مطلب مربوط به وقایع آینده که موضوعی دقیق بوده و ممکن است سوء تفاهم ایجاد نماید، باید تمام مطالب شفاهی و یادداشتهای زائرین را نادیده گرفت و فقط به نصوص الهیه مراجعه نمود. اما نصوص الهیه را در این باره به نظر قاصر نگارنده می‌توان به دو دسته تقسیم نمود.

۱) قسمت اول نصوصی هستند که از قلم اعلی و خامه و لسان حضرت مولی‌الوری غالباً خطاب به زمامداران جهان و سلاطین عالم صادر شده و در طی آن بیانات، همه آنها به توجه به وحدت عالم انسانی و صلح عمومی و خلع سلاح و دادگاه بین‌المللی و رفع تعصبات جنسی و دینی و وطنی و بالاخره ایجاد حکومت جهانی خوانده شده‌اند و اظهار فرموده‌اند که اگر توجه به این اصول ننمایند امور جهان نابسامان و شهرها از آتش تمدن مفرطه ویران و خیابانها از اثر تعصبات نژادی غرقه به خون و سیاستمداران و گردانندگان این جهان در ورطه بی‌چارگی

را که در این نامه به شما به زبان بدع و صریح می‌نمائیم به گوش نگیرید عذاب شما را از جمیع جهات فراخواهد گرفت و خدا با عدل خود با شما روبرو خواهد شد و در آن موقع امکان مقاومت با او را نخواهید داشت و عاجز خواهید شد. پس به خود و بندگان خدا رحم نمائید...

در لوح دیگر می‌فرماید: «ان التمدن الّذی یذکره علماء مصر الصّنائع و الفضل لو یتجاوز حدّ الاعتدال لتراه نقمة علی الناس کذلک یخبرکم الخبیر. انه یصیر مبدء الفساد فی تجاوزه کما کان مبدء الاصلاح فی اعتداله. تفکروا یا قوم و لا تکنونوا من الهائمین سوف تحترق المدن من ناره.»<sup>۶</sup> مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: «تمدنی که مورد توجه علماء صنایع و فضل قرار دارد اگر از حدّ اعتدال خارج شود موجب عذاب مردم گردد و تجاوز آن از حدّ اعتدال مبدء فساد خواهد شد چنانکه اعتدال آن باعث اصلاح است. ای قوم تفکر نمائید و سرگردان نمائید. بزودی شهرها از آتش آن خواهد سوخت.»

در کلمات فردوسی می‌فرمایند: «بشنوید ندای مظلوم را و به صلح اکبر تمسک نمائید. اسباب عجیبه غریبه در ارض موجود و لکن از افنده و عقول مستور و آن اسبابیست که قادر است بر تبدیل هوای ارض کله‌ها و سمیت آن سبب هلاک.»<sup>۷</sup>

متأسفانه چنانکه تاریخ قرن بیستم نشان داد زمامداران جهان به این خطابات توجه ننمودند و به خطابه‌های حضرت مولی‌الوری در اروپا و آمریکا که به صراحت تمام از جنگ جهانی سخن گفتند متذکر نگشتند و به نوعی که می‌دانیم و حضرت ولی‌امرالله نیز در توفیق قرن و توفیق «قد ظهر یوم المیعاد» به ظهور مصداق بعضی از این اندازات اشاره فرموده‌اند، بشریت در طی این قرن، شاهد دو جنگ مهیب جهانی شد و شهرها از آتش تمدن سوخت. سپس بیش از پنجاه سال زمامداران عالم در اضطراب مداوم

جنگ سرد و امکان وقوع جنگ سوم جهانی ثروت ملل خود را فوق تحمل رعیت به اختراع و تراکم مواد جهنمی صرف نمودند. حال هر چند عالم انسانی در بحرانی شدید بسر می‌برد، متفکرین جهان حتی زمامداران آن از یک نظم جهانی و احقاق حق ملل عقب‌مانده سخن می‌گویند. شکی نیست که طبق بشارات الهیه صلح عمومی که به صلح اصغر یا صلح اکبر در اصطلاح اهل بهاء موسوم است قبل از اتمام این قرن تحقق خواهد یافت.

به نظر نگارنده وقتی سخن از صلح عمومی به میان می‌آوریم نباید آن را ساده تصور نمائیم. باید دانست آنچه که ممکن است تا آخر این قرن صورت گیرد اینست که دول تصمیمی برای صلح عمومی بگیرند و قراردادی امضاء نمایند. سپس شروع به اقدام برای تأسیس این مقصد عظیم نمایند تا به تدریج در طی سال‌های قرن آینده اساسش مستحکم گردد و اصولش تأسیس یابد. سپس چنانچه در آثار مبارکه ذکر شده در مراحل بعدی بیت العدل اعظم به هدایت ملل و دول و تأسیس واقعی صلح بین ممالک اقدام فرمایند.

برای درک مراحل تکامل صلح عمومی می‌توان اتحاد جامعه اروپا را در نظر گرفت. بیش از سی سال پیش ۹ دولت از دول اروپا در رم اجتماع نموده، اساس وحدت این قاره را نهادند، و از آن زمان تا کنون هم عالیله زیادی صرف انجام آن شده و می‌شود ولی هنوز بعد از این همه سال در نیمه راهند، تا کی این راه صعب‌العبور به انجام رسد و وحدت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی این قاره صورت واقعیت به خود گیرد؟

راه صلح جهانی که انتهای آن ایجاد حکومت بین‌المللی و پارلمان عمومی است، از سنگلاخ‌های مشکل‌تری باید بگذرد. هنوز ملل زیادی در اروپا و افریقا و آمریکا و آسیا در تلاش کسب هویت ملی خویشند. چون آن را به دست آرند،

آنها است که انذارات و بشارات دیگری درباره آن هست که موضوع قسمت دوم مقاله است. آثار مبارکه در این باره را باید تحت چند عنوان مطالعه نمود.

الف- نصوصی که اشاره به اعلاى امرالله و ظفر و نصرت کلمتالله دارد که ذیلاً به چند نص اشاره می‌رود.

در لوح سلطان، قلم قدم به بیان ذیل ناطق: «سوف تشق يد البيضاء جيباً لهذه الليلة الدماء و يفتح الله لمدينته باباً رتاجاً يومئذ يدخلون فيها الناس افواجاً و يقولون ما قالته اللانمات من قبل ليظهر في الغايات ما بدا في البدايات.»<sup>۱</sup> مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: «بزودی يد البيضاء گریبان این شب تاریک را خواهد شکافت و خداوند برای شهر خود درب بزرگی را خواهد گشود. در آن روز مردم فوج فوج در مدینه الهی وارد خواهند شد. و خواهند گفت آنچه را که زنان ملامتگر از پیش گفتند تا آنچه در اوائل ظاهر شد در اواخر جلوه نماید.» زنان ملامتگر اشاره به زنان مصری است که زلیخا را از عشق یوسف ملامت می‌نمودند ولی چون او را دیدند به وی حق دادند و خود نیز شیفته جمال یوسف شدند. لذا کسانی که امروز احبباً را به عشق جمال قدم طعنه می‌زنند خود دلباخته آن طلعت قدسی خواهند شد و بر دلدادگان طلعت ابهی درود خواهند فرستاد.

در لوح رئیس می‌فرماید: «قل قد جاء الفلام ليحيى العالم ويتحد من على الارض كلها فسوف يغلب ما اراد الله و تری كل الارض جنة الابهي. كذلك رقم من قلم الامر على لوح قويم.»<sup>۲</sup> مضمون بیان مبارک چنین است: «بگو این جوان به جهت زنده کردن عالم و اتحاد تمام اهل روی زمین آمده است. بزودی آنچه را خداوند اراده فرموده غلبه خواهد یافت و تمام روی زمین را جنت ابهی مشاهده خواهی نمود. اینست آنچه از قلم امر در لوح قويم نوشته شده است.»

به میل خاطر نه به اجبار، به جمع ملل جهان خواهند پیوست. ولی آنچه مسلم است اساس این کار قبل از اتمام این قرن گذاشته خواهد شد.

تازه ایجاد صلح بین ملل مانع آن نتواند شد که در داخل هر کشوری تدنی اخلاق عمومی و وجود تعصبات مذهبی و نژادی که ناری عالم‌سوز است ادامه نیابد، و تغییر این وضع البته معلق به غلبه کلمتالله و تقلیب نفوس و انتشار امرالله و تأسیس ملکوت الهی در قلوب نفوس است.

در اینجا توضیح مطلبی را لازم می‌داند و آن اینست که بعضی از دوستان چون همه انذارات را درباره وقایع آینده یکجا مطالعه می‌فرمایند و وقوع آنها را هم توأمان تصور می‌نمایند، و چون می‌بایستی صلح عمومی در آخر این قرن صورت گیرد لازم می‌دانند که وقوع انذارات الهیه مانند بلای ناگهانی و بیداری عمومی نوع بشر قبل از اتمام این قرن صورت یابد، لذا وقوع حوادث مهمی را در طی این چند سال حتمی می‌دانند. باید دانست که در نقشه الهی چنین مقدر است که بعضی از تعالیم الهی توسط مردم جهان به مرحله عمل گذاشته شود، بدون آنکه آنها امر الهی را قبول نموده باشند و یا از آن اطلاع یافته باشند. زبان عمومی یکی از آنهاست. ما می‌بینیم که بعد از نزول این حکم در کتاب اقدس مساعی زیادی در این باره بکار رفته و السنه تازه اختراع شده همچون اسپرانتو که صدها هزار نفر در همه جهان هم عالییه صرف انتشار آن می‌نمایند بدون آنکه به امر مبارک مؤمن شده باشند و یا به مبدأ این حکم توجه نموده باشند، و شبیه آنست تساوی حقوق رجال و نساء و مساعی زیادی که در طی این قرن برای انجام آن بکار رفته و می‌رود. صلح عمومی نیز یکی از این نوع احکام اجتماعی است که تحت تأثیر کلمتالله توسط دول صورت خواهد گرفت.

(۲) مسئله دیگر بیداری مردم جهان و تقلیب و توجه آنها به امر مبارک و ایمان فوج فوج

در لوح دیگر نازل: «عنقریب است که اعلام قدرت الهی را در همه بلاد مرتفع بینی و آثار غلبه و سلطنت او را در جمیع دیار ظاهر مشاهده فرمائی.»<sup>۱۰</sup>

و نیز می فرماید: «زود است که اعلام امریه الهیه بر بقاع ارض مرتفع مشاهده شود و آن روز لسان های من علی الارض به ذکر و ثنای نفوس مقبله که الیوم به شطر احدیه توجه نموده اند ناطق گردد.»<sup>۱۱</sup>

در لوح دیگر نازل: «باری الامر عظیم عظیم. زود است که انقلاب اکبر ظاهر فو نفسه الحق که تفصیل فرماید ما بین کل.»<sup>۱۲</sup>

ب- باید در نظر داشت که برای رسیدن چنین روزی یعنی ظهور فتح و ظفر و شوکت و عظمت امرالله وقتی معین و زمانی محتوم و مقدر است، ولی این وقت و این تاریخ بر اهل عالم مجهول و این سر فقط در علم الهی مخزون است. در این باره می توانیم به نصوص ذیل توجه نمائیم. در لوحی از جمال قدم مذکور است: «زود است که انوار امر عالم را احاطه نماید اگرچه حال وجوه به شطر کفر متوجه. لکن از برای او میقاتی مقرر است اذا تم يظهر ما هو المسطور فی کتب الله رب العالمین.»<sup>۱۳</sup>

در لوح دیگر می فرماید: «وجه عالم به لامذهبی متوجه... تا مدتی به این نحو خواهد بود چنانچه میقات آن در کتاب الهی نازل و ثبت شده... بعد از انقضاء مدت مذکوره در کتاب بفته امرالله مرتفع و جمیع نفوس به او متوجه آن ربك لهو الصادق المتكلم الناطق الامین.»<sup>۱۴</sup>

حضرت ولی امرالله در توقیعی می فرماید: «میقات رفع تزییقات و آزادی امرالله و استقلال شریع الله مجهول و علمش عندالله.»<sup>۱۵</sup>

ج- در آثار مبارکه به صراحت تام منصوص است که عزت و غلبه امرالله بعد از وقوع حادثهای بستی و ناگهانی خواهد بود.

جمال قدم در لوحی می فرماید: «عالم منقلب

است و انقلاب آن یوماً فیوماً در تزیید و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجه و این فقره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد بشأنی که ذکر آن حال مقتضی نه، و مدتی بر این نهج ایام می رود و اذا تم المیقات يظهر بفته ما یرتعد به فرائض العالم اذا ترتفع الاعلام و تفرد العنادل علی الافنان.»<sup>۱۶</sup>

مضمون قسمت عربی بیان مبارک چنین است: «وقتی که زمان برسد بفته ظاهر می شود آنچه که اعضای اهل عالم از آن به لرزه درآید. در آن وقت پرچمهای الهی بلند شده و بلبلان بهشتی بر شاخهها تفتی خواهند نمود.»

در مقدمه این مقاله دو بیان ذیل نقل شد: «بگو ای اهل ارض بر راستی بدانید که بلای ناگهانی شما را در پی است و عقاب عظیمی از عقب.» و نیز «ای نادانان گرفتاری ناگهانی شما را از پی.»

حضرت ولی امرالله بیانی بدین مضمون دارند: «... این جریان بنوبه خود مقدمه رسیدن روزی است که به فرموده حضرت عبدالبهاء شاهد ورود دستمهایی از مردم از ملل و اجناس مختلف به جامعه بهائی خواهد بود - روزی که به سهم خود مقدمه تبلیغ دستجمعی همان اجناس و ملل خواهد گشت و به واسطه ظهور سلسله حوادثی خطیر و احتمالاً مصیبتبار بطور ناگهانی سرنوشت امر منقلب شده و تعادل جهان بهم خورده و نفوذ و قدرت امر حضرت بهاءالله چه از نظر شمار نفوس و چه قدرت مادی و معنوی هزار برابر افزایش خواهد یافت.»<sup>۱۷</sup>

در بیانات مبارکه، فوق به وقوع حادثهای بستی که جهان و جهانیان را منقلب نماید اشاره شده است، حادثهای که نه تنها نظم جهان را درهم ریزد و طرحی نو بیفکند، بلکه باعث آن خواهد شد که مردم بی دین و بی اعتنا منقلب شوند و انتباه یابند و فوج فوج بسوی امر روآوردند و به فرموده حضرت ولی امرالله اقتدار امر از نظر شمار نفوس و قدرت مادی و معنوی



نقشه، تغییرناپذیر الهی برای اتحاد جهانیان کمک خواهد کرد.» (ترجمه به مضمون)<sup>۱۹</sup>  
 بالاخره بیت العدل اعظم در طی دستخط ذیل همه کسانی را که فکر خود را به حوادث محتومه آینده مشغول می‌دارند چنین هدایت و نصیحت می‌فرمایند: «احباء باید در مقابل مصیبت منتظره آینده روش و عمل و حرکت صحیحی را پیش گیرند. ما می‌دانیم که امر حضرت بهاء‌الله تنها راه نجات عالم است و وظیفه ما اینست که به طریق فعال امر را به نفوس مستعدّه ابلاغ نمائیم و حدّ اکثر سعی را در تحکیم اساس مؤسسات بهائی بکار ببریم. فقط بدینوسیله خواهیم توانست حق عبودیت خود را به آستان مقدّس ادا نمائیم، سپس باید بقیه را به حق واگذاریم.» (ترجمه به مضمون)<sup>۲۰</sup>

«هزار برابر» افزایش یابد.  
 د- در آثار مبارکه ابدأ اشارتی به اینکه این حادثه بقتی چه خواهد بود نشده است.

معهد اعلی در دستخطی در جواب یکی از احباء چنین می‌فرماید: «هرچند کاملاً مسلم است که ما باید منتظر آن باشیم که جهانیان در معرض آزمایش و تحمل بلائی که نظیر آن دیده نشده قرار گیرند، ولی ما نمی‌دانیم آیا چه نوع حوادثی وقوع خواهد یافت و آیا این حوادث دقیقاً چه زمانی روی خواهد نمود و آیا تا چه اندازه شدید خواهد بود و چه مدتی طول خواهد کشید.» (ترجمه به مضمون)<sup>۱۸</sup>

در دستخط دیگر از معهد اعلی خطاب به یکی از احباء چنین مرقوم است: «بیت العدل اعظم خاطر نشان می‌نمایند که حضرت بهاء‌الله به کمال صراحت بیان فرموده است "ای اهل ارض براستی بدانید که بلای ناگهانی شما را در پی است و عقاب عظیمی از عقب گمان مبرید که آنچه را مرتکب شدید از نظر محو شده" و شما را بدین نکته متوجه می‌سازند که هر گونه سعی برای پیش‌بینی زمان و ماهیت بلائی که خود حضرت بهاء‌الله آن را "ناگهانی" می‌خوانند بیهوده است. شکی نیست که پیشرفت‌های مهمی که بواسطه مساعی دانشمندان صورت می‌گیرد پیش‌بینی‌های مربوط به حوادث ارضی را ممکن می‌سازد. ولی ما نمی‌توانیم مطمئن باشیم که منظور حضرت بهاء‌الله از حادثه‌ای که در زمین رخ خواهد داد مربوط به زمین‌لرزه و آتشفشانی یا انفجار باشد. در جواب سئوالات کسانی که پرسش‌هایی شبیه پرسش شما کرده‌اند بیت العدل اعظم تأکید فرموده‌اند که احباء نباید وقت و انرژی خود را صرف تصورات بی‌ثمر نمایند. آنها باید هر ذره از انرژی خود را صرف انجام اهداف نقشه ۵ ساله که در پیش دارند بنمایند، با اطمینان به اینکه هر چه در جهان حادث شود ولو ظاهراً مصیبت‌بار به نظر آید، به

مأخذ

- ۱- مجموعه الواح جمال قدم، چاپ مصر، ص ۲۵۷.
- ۲- Lights of Guidance, p 438
- ۳- نظامات بهائی، چاپ طهران، ص ۳۳.
- ۴- Lights of Guidance, p 438
- ۵- سورة الملوك، چاپ طهران، ص ۳.
- ۶- منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، ص ۲۲۰.
- ۷- مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی، ص ۳۸.
- ۸- لوح سلطان، چاپ طهران، ص ۸۶.
- ۹- امر و خلق، ج ۴، ص ۴۷۵.
- ۱۰- امر و خلق، ج ۴، ص ۴۷۵.
- ۱۱- امر و خلق، ج ۴، ص ۴۷۷.
- ۱۲- امر و خلق، ج ۴، ص ۴۶۱.
- ۱۳- امر و خلق، ج ۴، ص ۴۷۳.
- ۱۴- امر و خلق، ج ۴، ص ۴۷۳.
- ۱۵- امر و خلق، ج ۴، ص ۴۸۲.
- ۱۶- منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، ص ۸۳.
- ۱۷- Citadel of Faith, p 117
- ۱۸- Lights of Guidance, p 127
- ۱۹- Lights of Guidance, p 128
- ۲۰- Lights of Guidance, p 129

# گزارش جهانی تعلیم و تربیت،

## در سال ۱۹۹۳

World Educational Report, 1993

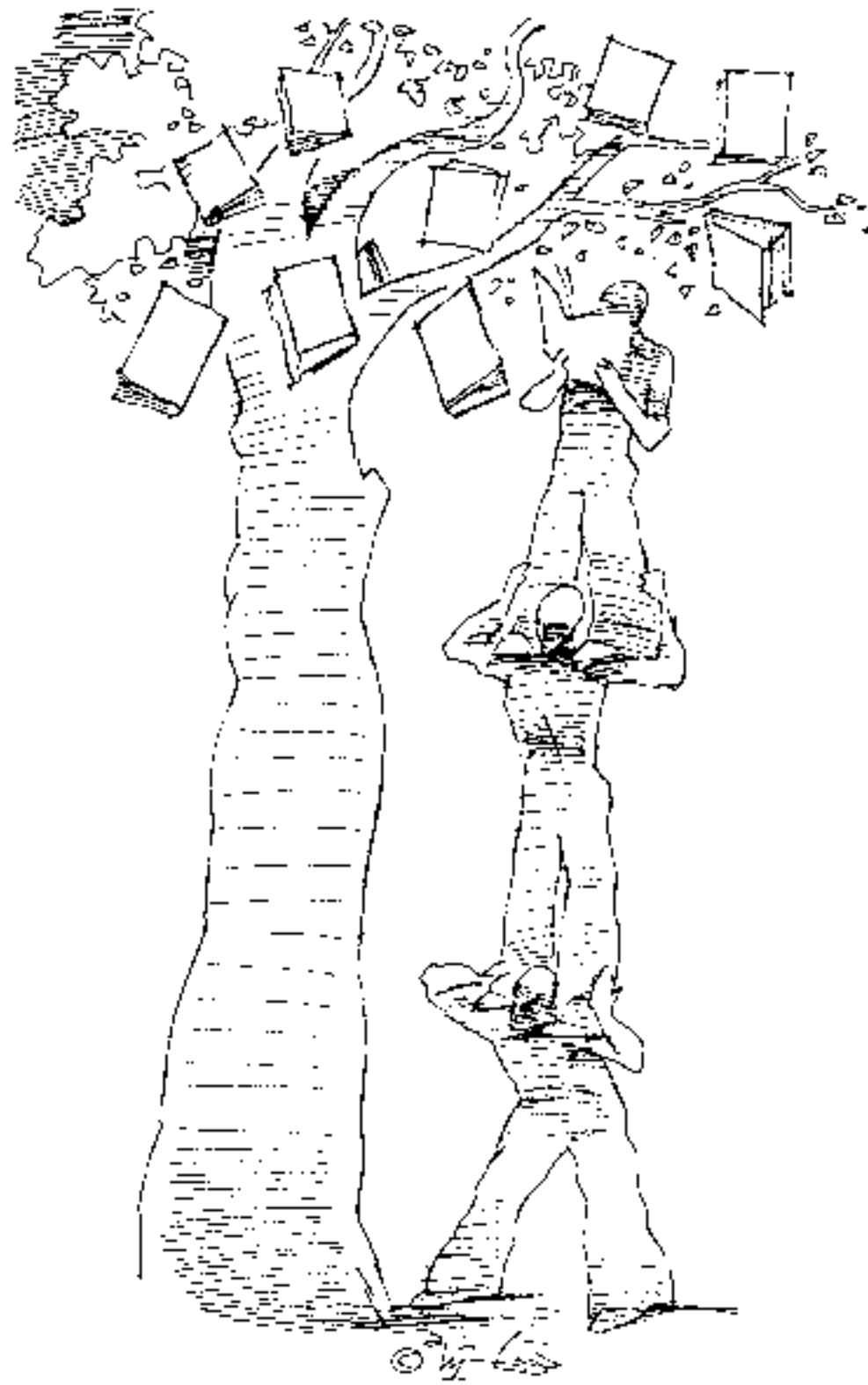
دارالتعلیم باید در ابتدا اولاد را به شرائط دین تعلیم دهند تا وعد و وعید مذکور در کتب الهی ایشان را از مناهمی منع نماید و به طراز اوامر مزین دارد و لکن بقدری که به تعصب و حمیه جاهلیه منجر و منتهی نگردد.  
حضرت بهاء الله

صورت می‌گیرد. فی‌المثل از ۵/۲ میلیون عالم و مهندس در سراسر جهان در سال ۱۹۹۰، ۱۷/۸ درصد از امریکای شمالی هستند و ۲۰/۹ درصد به اروپا تعلق دارند، در حالی که سهم امریکای لاتین فقط ۳/۱ درصد و سهم ممالک عربی تنها ۱/۵ درصد است. از ۴۵۲ میلیارد دلار که در سال ۱۹۹۰ صرف پژوهش‌های معطوف به کاربرد شده است سهم اروپا ۲۳/۲ درصد و سهم امریکای شمالی ۴۲/۸ درصد است، در حالی که امریکای لاتین فقط ۰/۶ درصد و ممالک عربی ۰/۷ درصد سرمایه‌گذاری در این عرصه کرده‌اند.

هرگاه عنصر زبان را که کلید فرهنگ هر قوم است مورد بررسی قرار دهیم ملاحظه می‌کنیم که رایج‌ترین زبان عالم، چینی است که ۲۰/۹ درصد سکنه کره، ارض به آن ناطقند، زبان انگلیسی فقط در مرتبه دوم قرار دارد (۱۱/۵ درصد) و بعد از آن زبان هندوستانی (۸ درصد سکنه دنیا)، اسپانیایی (۶ درصد)، روسی (۵/۵ درصد) و عربی (۴ درصد) قرار گرفته‌اند. زبانی چون فرانسه فقط ۲/۵ درصد گوینده دارد،

از انتشارات تازه، یونسکو گزارش آن سازمان درباره وضع آموزش و پرورش در جهان است، که بار دیگر شکاف بارزی را که بین ممالک پیشرفته صنعتی و کشورهای در حال رشد موجود است برابر دیدگان عرضه می‌کند. از جمله ارقام، متوسط سال‌های تحصیلات رسمی در ممالک مختلف است. اگر در نیجر دوره این تحصیلات بطور متوسط به سه سال نمی‌رسد در نیوزیلند، فرانسه و نروژ تعداد سال‌های تحصیلی در حدود ۱۵ سال است، و در ممالک متحده امریکا و کانادا حدود ۱۶. روشن است که در زمینه سواد و بی‌سوادی نیز فاصله میان ممالک رشدیافته و کم‌رشد موجب حیرت است. اکثریت عظیم بی‌سوادان ساکن ممالک اخیر هستند. بعنوان نمونه در جنوب آسیا ۲۴۱ میلیون نفر افراد ۱۵ سال بی‌سواد دارند و ۲۹۸ میلیون بی‌سواد هستند. در ممالک عربی باسوادان بزرگسال ۶۴ میلیون و بی‌سوادان ۶۱ میلیون هستند.

از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی بی‌گمان میزان کوششی است که در پرورش علماء و مهندسان و بسط و گسترش تحقیقات



سرزمین‌های دیگر در این زمینه جلوتر بود (در سال ۱۹۸۰ فزون از ۶۵ هزار دانشجوی ایرانی در خارج مملکت درس می‌خواندند، در حالی که کشور بعدی، مالزی، فقط ۳۶ هزار دانشجو در خارج مرزهای خود داشت)، اما در حال حاضر (آمارهای سال ۱۹۹۰) چینی‌ها بیشترین عدد دانشجویان را به خارج مرزهای آن دیار فرستاده‌اند (۹۳ هزار). ژاپن در همان سال ۳۹ هزار، مغرب ۳۷ هزار، آلمان ۲۵ هزار، جمهوری کره و هندوستان هر يك ۳۳ هزار دانشجو در خارج داشتند.

آلمانی ۱/۷ درصد، ژاپونی ۲/۴ درصد، پرتغالی ۲/۱ درصد، بنگالی ۳/۴ درصد و زبانهای ماله و اندونزی ۲/۲ درصد. از غرائب آن که بیش از ۶ هزار زبان و لهجه در دنیا مورد تکلم است و بیش از نصف آن زبان‌ها در ۷ کشور عالم تکلم می‌شود (پاپوا نیوگینه، اندونزی، نیجریا، هندوستان، کامرون، استرالیا و مکزیک). کافی است اشاره شود که فقط در مکزیک ۲۴۰ زبان و لهجه مختلف مورد استفاده است!

ملاحظه این ارقام از يك طرف اهمیت اتخاذ يك زبان و خط بین‌المللی را بوجهی که در کتاب مستطاب اقدس آمده یادآور می‌شود و از طرف دیگر ما را متذکر می‌کند که چرا در همان کتاب شریف آموختن زبان‌های بیگانه برای تبلیغ کلمه الهیه مورد تأکید واقع شده است. مشکل بسیاری از ممالک کم‌رشد عالم این است که ده‌ها بلکه صدها زبان و لهجه در داخل مرزهایشان مورد تکلم مردم است (پاپوا نیوگینه ۸۵۰، اندونزی ۶۷۰، نیجریا ۴۱۰، هندوستان ۳۸۰ و کامرون ۲۷۰ لهجه و زبان).

و این نکته مسلم شده که تعلیم سواد باید به زبان مادری کودک آغاز شود، در حالی که برخی از این زبانهای محلی و منطقهای حتی خط مخصوص ندارند و آنها هم که دارای خط هستند می‌باید در کنار زبان رسمی ملی تعلیم شوند و به عبارت دیگر طفل ناچار است که در دو زبان تلمذ کند و احیاناً از دوره دبیرستان با يك زبان بین‌المللی اضافی نیز برای ارتباط با سایر سرزمین‌های جهان آشنا شود. خود مشکل تکثر بی‌اندازه زبان در عقب ماندگی آموزشی برخی ممالک بی‌تأثیر نبوده است.

چون سخن از زبان بیگانه در میان است یادآور شویم که از امور مهمی که در دنیای تعلیم و تربیت روی داده و می‌دهد اعزام دانشجویان به خارج کشور است، که وقتی کشور ما از همه



کودکان امیدها و سرمایه آینده هستند. آنچه به رشد فکری و روحی آنان توجه شود باز هم کم است  
کودکان کلاس اول يك مدرسه در کره جنوبي

بیشترین سرمایه خود را صرف خریداری اسلحه می‌کنند، در حالی که ساختن آینده یعنی تربیت کودکان و نوجوانان برای آنها از اولویت پائینتری بهره‌مند است (بعنوان نمونه عراق و سومالی هزینه‌های را که که در سال ۱۹۸۸ صرف امور نظامی کردند ۵ برابر هزینه‌های بود که اختصاص به آموزش و بهداشت داده بودند<sup>۱</sup>).

آنچه موجب حیرت است این که در مطالعات بین‌المللی حصر توجه به جنبه‌های کمی تعلیم و تربیت است و کیفیت تعلیم و تربیت خصوصاً از جهت امتزاج آن با هدفهای اخلاقی کمتر مورد عنایت قرار می‌گیرد و البته اگر کار اساسی باید در زمینه تعلیم و تربیت کرد، این کار به سواد بخشیدن به همه و افزودن سرمایه‌گذاری در مورد هر دانش‌آموز و هر دانشجو تمام نمی‌شود، بلکه بخصوص پایه‌گذاری آموزش و پرورش را بر اکتساب فضائل اخلاقی و ملکات شریفه انسانی ایجاب می‌کند. به قول قدما: عالم شدن چه آسان، آدم شدن چه مشکل.

پایان

هر چند که امید می‌رود غالب این دانشجویان با کسب علم و فن و احراز تخصص و کاردانی به سرزمین خود بازگردند و کادر مدیریت را متدرجاً تشکیل دهند، اما بیم «فرار مغزها» از ممالک کم‌رشد به ممالک پیشرفته، صنعتی هم شدید است، چنان که در مورد ایران مشاهده شده است.

گویند در قرن بیست و یکم سبقت از آن کشوری است که بیشترین اهتمام را در زمینه تعلیم و تربیت فرزندان خود بکار آورد. در حال حاضر (۱۹۹۰) ممالک پیشرفته برای هر طفل خود در سطوح کودکستان، دبستان و دبیرستان بطور متوسط ۲۴۱۹ دلار در سال خرج می‌کنند (خرج جاری)، در حالی که فی‌المثل در جنوب و شرق آسیا این رقم فقط ۱۰۴ یا ۷۶ دلار است و در افریقای جنوب صحرا ۵۸ دلار، و البته با این سرمایه‌گذاری‌های قلیل هرگز نمی‌توان کیفیت تعلیم و تربیت را تضمین کرد. افسوس که بسیاری از همین کشورهای فقیر

Human Development Report, 1993. UNDP, p 9 -۱

# چگونه گلی شکفت بیاد گذشته

ملیح بهار

مادرتان یادداشتی بنویسند که شرکت شما در این کلاس با اطلاع و اجازه آنهاست. گفت: خانم، من مادر ندارم، دو سال است مادرم را از دست دادم. گفتم: در يك فرصت مناسب از پدرتان اجازه بگیرید. خوشحال و امیدوار رفت. هفته بعد سرساعت آمد و اظهار داشت: فرصت مناسب پیش نیامد، بروم یا بمانم؟ گفتم: بفرمائید بنشینید. او نشست و با میل و علاقه در درسها شرکت کرد، از خواندن سرود دست جمعی به وجد آمد. تلاوت مناجات آخر و طرز نشستن و گوش کردن همکلاسیها برایش جالب بود و به آنها تاسی کرد. هفته سوم که به کلاس آمد، یادداشتی از پدرش آورده بود با خط و ربط زیبا و پخته. ماحصل نامه آنکه: خوش وقتم که پسرم کلاس ادبی و اخلاقی شما را به این فیلمهای مبتذل ترجیح داده است. او دو سال است که مادرش را از دست داده، با همسر فعلی من رابطه خوبی ندارد، پسری بسیار حساس و زودرنج است. امیدوارم مهر مادری را در شما بجوید.

او هر هفته مرتب به کلاس می‌آمد و دروس را با علاقه می‌خواند و سعی می‌کرد اطلاعات بیشتری کسب کند. چند ماهی گذشت، يك صبح جمعه، زودتر از ساعت مقرر آمد، با سر و وضعی نامرتب و چشم و بینی سرخ، گفت زن پدرم با من دعوا کرده، خواهش کردم وارد شود. مثل ابر بهار می‌گریست، گذاشتم چند لحظه بگرید

يك صبح جمعه که وارد کلاس درس اخلاق شدم، حضور پسر جوانی توجهم را جلب کرد. از سلامی که داد و نگاه رمیده‌ای که داشت دانستم که «تازه وارد» است. او برخاست و خودش را معرفی کرد و گفت که: دوازده سال دارم و شاگرد کلاس ششم ابتدائی هستم، و اضافه کرد که بهائی نیستم و هر صبح جمعه به سینما می‌روم، صبح امروز به رفیقم (یکی از شاگردها) برخوردم، تا نزدیک سینما «دیانا» با هم بودیم، آنجا او راهش را تغییر داد. پرسیدم مگر شما به سینما نمی‌آید؟ گفت: نه، من کلاس دارم. گفتم: صبح جمعه چه کلاسی؟ جواب داد: کلاس درس اخلاق، کلی تعریف کرد. کنجکاو شدم و پرسیدم آنجا چه می‌خوانید و چه می‌آموزید؟ جواب داد: تو می‌دانی که من بهائی هستم، در آنجا اصول امر، تاریخ و احکام دین را فرامی‌گیریم. گفتم: من هم می‌توانم در این کلاس شرکت کنم؟ گفت: نمی‌دانم، برویم ببینیم. من هم آمدم. حالا اجازه می‌دهید بمانم یا بروم؟ به او گفتم: خوش آمدید. امیدوارم کلاس برای شما هم جالب باشد، او نشست و سایر شاگردان نیز رسیدند و کلاس شروع شد. آرام آرام نگاهش رنگ آشنا گرفت و با دقت به درسها گوش می‌داد و در خواندن سرود شرکت کرد. پس از پایان کلاس، موقع خداحافظی گفت: کلاس خوبی است، استفاده کردم، اگر بخوام هر هفته بیایم چه شرایطی دارد؟ گفتم: کافی است پدر و

بلکه آرام شود. اما او به تلخی می‌گریست و بریده بریده می‌گفت: آخر چرا بی‌مادر شدم؟ چرا خدا مادرم را از من گرفت؟ جوابی برای سئوال‌های او نداشتم، دلم سوخت و اشکهایم جاری شد. او سر بالا گرفت که جواب مرا بشنود، مرا گریان یافت. با تعجب گفت: شما چرا؟ این همدردی کمی به او آرامش داد. به گردنم آویخت و اشکهای ما درهم‌آمیخت. قلب پاکش ضربان شدیدی داشت و دستهای کوچکش سرد سرد بود. دستش را گرفتم و به روشنی بردم، دست و صورت را صفائی داد، کمک کردم موهای انبوه و مجعدش را شانه زد و مهار کرد. با حق‌شناسی در من نگریست و گفت: مثل مادرم. به اطاق رفتیم و صبحانه خوردیم. او با مجله‌های روی میز مشغول شد و من سراغ کلاس رفتم. هنوز درس را شروع نکرده بودیم که وارد شد. از آن همه آزرده‌گی و گریه‌ها اثری نبود. با خلق خوش نشست و با آرامش به مناجات شروع گوش داد و با نشاط به درس و بحث پرداخت.

به نظرم رسید که حوادث ناگوار دوران کودکی و نوجوانی مانند رگبار بهاری است، به سرعت آسمان صاف و روشن را ابرهای تیره فرا می‌گیرد، باد به شدت می‌وزد، می‌غرد، می‌بارد، احياناً شاخه‌ها را می‌شکند، مردم را می‌ترساند و به اطاق‌ها می‌کشانند، آب همه جا را می‌گیرد، سطح زمین از برگ‌ها فرش می‌شود، اما به زودی همه چیز تغییر می‌یابد، آب فروکش می‌کند، ابرها متلاشی می‌شوند، آسمان پیراهن آبی خود را در بر می‌کند، اشعه‌ها جانبخش خورشید به همه جا نور می‌پاشد و گرمی و زیبایی می‌دهد و رنگین‌کمانی زیبا سینه آسمان را زینت می‌کند، اشجار و ازهار طراوت و لطافت یافته، چهره می‌نمایند و دانه‌های باران بر روی برگ‌ها چون پولک‌های الوان می‌درخشند. او نیز از آن اشک باریها صفایی یافته بود.

حق داشت آن فیلسوف بزرگی که فرمود: تماشای اضطراب و شوق توأم کودکان زیباترین و محزون‌ترین ترانه بشری است.

به خواهش من مناجات آخر را خواند، چه معصومیتی، چه صفایی! وقتی کلاس پایان یافت و تنها شدیم، پرسید: نمی‌خواهید بدانید صبح بر من چه گذشته بود که با آن وضع و حال به شما پناه آوردم؟ گفتم اگر میل دارید بگوئید، گوش می‌کنم. اظهار داشت: چند روز است پدرم به مسافرت رفته است. زن پدرم بیش از سابق در صدد بهانه‌جویی است. بعد به تفصیل آن چه را که بین او و همسر پدرش گذشته بود بیان کرد و نتیجه گرفت که این زن غریبه، زندگی راحت او و پدرش را برهم زده است. سئوال کرد به نظر شما، با این زن غریبه چه کنم؟ دیدم شخصیت کودک به شدت لطمه خورده، با او نمی‌توان از حسن خلق و روش معاشرت و دوست داشتن بشریت صحبت داشت. به او گفتم: شما چند مرتبه کلمه غریبه را برای این خانم بکار بردید، با او مثل يك خانم غریبه رفتار کنید. اگر یکی از خانم‌های همسایه بر شما وارد شود چه می‌کنید؟ قطعاً تواضع می‌کنید، از جا برمی‌خیزید، جا تمعارف می‌کنید، اگر خواهشی داشت انجام می‌دهید، در موقع رفتن بدرقه‌اش می‌کنید. گفتم بلی، من که بی‌ادب نیستم. گفتم می‌دانم، از شما خواهش می‌کنم با این خانم نیز چنین رفتار کنید و یادتان باشد که او در فقدان مادر شما هیچ مسئولیتی ندارد. وانگهی، هر دوی شما در قلب پدر همسایه هستید. کمی به فکر فرو رفت، سپس گفت: باشد. به توافق رسیدیم و دست همدیگر را فشردیم.

بوی غذا در ساختمان پیچیده بود. پرسیدم: میل داری با ما ناهار بخوری؟ گفت: بلی، خیلی! گفتم: پس لطفاً برخیز به خانه تلفن کن. با تانی برخاست و تلفن کرد. ناهار در محیط گرم خانواده فارغ از ماجرا صرف شد. از رادیو

تمام دوره، متوسطه او رابطه خود را با من قطع نکرد. عصرهای پنجشنبه را که درس نداشت، با همه دوری راه، می‌آمد و یا تلفن می‌کرد. عشق به مطالعه در او قوی بود، می‌خواند، یادداشت می‌کرد و همواره مقداری سؤال در چنته داشت.

کتاب «بهاء‌الله و عصر جدید» خیلی او را گرفت. کتاب مقاله مبارک اشک‌های او را جاری کرد. وقتی دیپلم گرفت یک جلد خطابات مبارک حضرت عبدالبهاء ارواحنا فداه به او هدیه شد که او را دگرگون ساخت.

حالا او آن کودک تُرد و ظریف و آسیب‌پذیر سابق نبود، جوانی بود موزون، برازنده و بسیار مبادی آداب، که سئوال‌هایش رنگ «آقایانه» گرفته بود. دیدم مصلحت در آن است که با یکی از ناشرین نفعات‌الله ملاقات کند. روزهای سه‌شنبه در لجنه‌ای در حضور چند نفر از علماء و دانشمندان امر خوشه‌چینی می‌کردم که «همان مدتم ز عمر حساب است». با یکی از آنان که علاوه بر خدمات گوناگون، بیت تبلیغی را هم اداره می‌فرمود، جریان حال این پسر روحانی را به اجمال عرض کردم و قرار ملاقات گذاشتیم. چند روزی از طهران دور بودم، چون مراجعت کردم و او را دیدم، سراپا عشق و شور بود. فریاد می‌زد: به خدا این مرد محترم از اولیاءالله است و من حاضریم به سویش نماز گزارم و سجده برم. دانستم که دانش وسیع و فرشته‌خونی آن دانشی‌مرد شریف، جوان مشتاق را خاضع و مشتاق‌تر کرده است. شبی از جناب استاد، جوئی‌ای حال مبتدی جوان شدم. فرمودند: او در واقع بهائی است و ایرادی ندارد، فقط احتیاج به کسب معلومات امری دارد، باید تاریخ امر را فراگیرد و به مبادی و احکام آشنا شود.

روزی که تسجیل شد، با چند شاخه گل، صبح زود به دیدنم آمد، شاد و سرفراز بود. گفت که ۹ سال از آشنایی ما می‌گذرد. لوح مبارک سلطان ایران به او هدیه شد که با اشتیاق

ترانه زیبای «این خونه رو آقای شیوا ساخته» با صدای گرم و دودانگ و تار رندانه یکی از هنرمندان پخش می‌شد و ما هم همراهیش می‌کردیم. پسر معصوم غرق شادی و سرور بود. این پیش آمدها ما را به هم نزدیک کرد. صاحب رازی شدیم که کسی از آن خبری نداشت و قراری گذاشتیم که دیگری از آن مطلع نبود. عصر که می‌بایستی به جلسه امری برویم، او را با خود بردیم و سرکوچه‌شان پیاده کردیم. موقع رفتن چند شاخه گل به او دادم. با تعجب گفت: برای زن غریبه گل ببرم؟ گفتم: قرار بود با ادب رفتار کنی. گفت: بلی، ببخشید. هفته بعد که به کلاس آمد، راضی بود. و به آرامی گفت: متشکرم، همه چیز می‌زان است. گفتم: خوشحالم. به زودی به وجود تو افتخار خواهد کرد، مطمئن باش، او زن بدی نیست و بالقوه مادر خلق شده است، منتهی هنوز زبان نوجوانان را نمی‌داند، به مرور همه چیز خوب خواهد شد.

تمام سال را این پسر خوب با علاقه به کلاس آمد. نماز کوچک و چند مناجات و کلمات مکنونه از بر کرد. عاشق مجله ورقا بود. ذوق خواندن و آموختن در او قوت گرفت، کم‌کم رابطه‌اش با آن خانم خوب شد، دیگر کلمه غریبه را بکار نمی‌برد، حتی روزی آمد و گفت: خانم مریض است، نگرانم. گفتم: بنشینیم، برایش دعا کنیم. نشستیم و ۹ مرتبه «هل من مفرج غیرالله...» را خواندیم. بر سبیل مزاح گفت: کم مانده به وجود من افتخار کند.

سال به پایان رسید، او کلاس ششم ابتدائی را به خوبی گذراند و به متوسطه راه یافت. در همین اوان آنها تفییر منزل داده و به یکی از شهرک‌های اطراف طهران رفتند.

در این یک سال، بذر حبّ امر الهی و تعلق به این آئین نازنین در قلب پاک او افشاندن شده بود، که بیشتر مرهون حسن خلق و روش نیکوی شاگردان کلاس بود (یاد همگی به خیر). در

بر دیده نهاد و تصفحی کرد. در صدر صفحه بیان مهیمن «... یا سلطان قد خبت مصابیح الانصاف و اشتعلت نار الاعتساف...» تا آنجا که شرح اسارت حضرت امام سجاد و آل رسول را بیان فرموده و می‌فرمایند «... و کان بینهم سید الساجدین و سندالمقربین و کعبالمشتاقین روح ما سواه فداه...» را تلاوت کرد و با شگفتی می‌گفت: چه تجلیلی، چه عنایتی. مسا بطوری مشغول و از حلاوت و عظمت بیانات مبارک سرمست بودیم که وقت را فراموش کرده بودیم. به صدای خدمتکار که می‌گفت: «خانوم ناهار دیر نشه» اطاق را ترک کرده به آشپزخانه رفتم. چون چند نفر از دوستان عزیزمان به مناسبتی می‌بایستی ناهار، ما را سرافراز کنند. لذا او سری به آشپزخانه زده و گفت: همان ستوال روز اول ملاقات، بمانم یا بروم؟ گفتم: بمان، قدمت روی چشم.

میز ناهاری که از چند نفر، روحانی، شاعر، ادیب و نویسنده بهائی تشکیل شده باشد، معلوم است که صحبتها از چه مقوله است. پیرامون ادب و عرفان بهائی و سبکهای برگزیده، طلعات مقدسه در فارسی و عربی و انگلیسی و مقام شعر در آثار مقدسه و انواع مختلفه، نشر و نظم، روش ایجاز در کلام و جزالت و قدرت عبارات و روانی و رسایی الفاظ و معانی و تناسب و توازن... که از حدود فهم شاگرد مدرسه، توکل دخترانه، قزوین خارج بود.

برای پسر جوان و تازه بهائی ما که سراپا گوش بود و از این مذاکرات به وجد آمده و در خویش احساس کمبود کرده بود، آن ملاقات و آن مذاکرات سرنوشتساز بود. تصمیم گرفت رشته ادبی را انتخاب کند، زبان انگلیسی را جدی بخواند، روزی چند لوح از مکاتیب عبدالبهاء را زیارت کند، کتاب مستطاب ایقان را با استفاده از قاموس آن بخواند و چنین کرد و

همه تصمیمها را با علاقه و پشتکار پی گرفت. وقایع و حوادث بعدی به سرعت و پشت سرهم اتفاق افتاد. شرکت ما در یکی دو کنفرانس امری، تفییر منزل، گرفتاری او در کنکور، بیماری پدرش و بیماری من و اینکه اطبای معالج مرا از سر باز کردند و حوادث اخیر ایران، همه اینها ما را از حال یکدیگر بی‌خبر گذاشت. دیگر او را ندیدم، اما همواره یادش در بین تیرگی‌های خاطرات گذشتمام سوسو می‌زد.

۱۶ سال گذشت، چند روز پیش که نزدیک خانه از اتوبوس خط ۳ پیاده شدیم صداهای آشنایی به گوش رسید. سالها بود که در کوی و برزن، کلمات شیرین فارسی نشنیده بودم. بعد از چند لحظه به صداها نزدیک شدیم، ۳ نفر آقا ایستاده بودند و با هیجان حرف می‌زدند، که حالا چه کنیم و راه را از کی بپرسیم؟ با نگاه با همسرم که همراه بود مشورت کردیم، قرار شد به آنها کمک کنیم. همسرم به آنها سلامی گفت پرسید: آیا می‌توانم کمکی کنم؟ یکی از آنان در صدد گفتن مطلب بود که دیگری که به جدول رفت و آمد اتوبوسها خیره شده بود فریاد زنان و عزیزانم گویان در آغوش ما فرو رفت و باز مثل روزی که ۱۲ سال داشت اشکهای ما در هم آمیخت. خودش بود، با همان نگاه مهربان و محزون و همان تبسم شیرین، البته پخته‌تر. معلوم شد با چند نفر از رفقا سفری به اروپا داشته و پس از سیر و سیاحت چند مملکت حال عازم ممالک آزادشده در شوروی هستند. صبح برای دیدن شهر از هتل خارج شده و به توصیه دوستی، با اتوبوس خط ۳ عازم راه آهن «گار» بوده، که به جهت ناآشنایی با شهر چند ایستگاه بالاتر پیاده شده‌اند، بلیطشان يك ساعت ارزش داشت و بیش از نیم ساعت وقت داشتند که خود را به «گار» برسانند. ولی او دیگر در این فکرها نبود، از گذشته سخن می‌گفت، از درگذشت پدرش، از همسر باوفایش، همان



# آثارالله در شریعت اعلی (۲)

دکتر آهنگ ربّانی

بقیه از شماره پیش

## ۵- اظهار امر حضرت اعلی جلّ ثنائه الابهی

آفتاب جمال بی‌مثال ربّ اعلی در لیله مبارکه مقدّسه پنجم جمادی الاول ۱۲۶۰ از افق وحدانیت الهی و از مشرق قدرت و هیمنت رحمانی در شیراز درخشیدن گرفت و پرتو افشاند.

در آن روزگاران، دل‌های مردمان از شب مظلم یلدا سیاه‌تر و سردتر و غم‌انگیزتر بود. بازار زهدریائی و تقدس‌نمائی و خرافات‌فروشی حرارت و رواجی داشت و داد و ستد طراری و کلاشی بسی پررونق و داغ. سینها از کینه آکنده بود و دل‌ها به موهومات و تعصبات آغشته و آلوده. غیر از شقاوت و بی‌رحمی متاعی در دکان نبود و به غیر از جهالت و ظلم و توحش کالائی در بساط نه.

نه از مکارم انسانیت خبری، و نه از محاسن آداب و محامد آدمیت اثری. علمای سوء مروج جهل و تعصب بودند و مدرسه‌ها مدرّس ظلم و بی‌رحمی. مجالس دینی معلّم کفر و رذالت گشتند و مراسم مذهبی مشوّق فساد و شقاوت. تلقین تعصبات و خرافات مهم‌ترین وظیفه دینی

بود و ترویج ضلالت و موهومات مقدّس‌ترین مقصد و مرام مذهبی.

شمشیر تکفیر تیز و برنده بود و سلاح تدمیر و تعزیر قاطع و نابودکننده. تفتیش عقاید و جستجوی معایب و اعلان معاصی رایج و متداول بود تا عده‌ای با اجرای «حدود شرعی» و تنبیه و تعزیر بی‌نویان و به یاری هیاهوی اراذل و اوباش کسب آبرو کنند و بر جاه و جلال باطل خویش بیفزایند. در این چنین محیط تباه و فاسدی، رشوه و ارتشاء حربه اصلی و سلاح قاطع و قطعی بود که حق و حقیقت، راستی و عدالت و مفاخر انسانیت در دل سختشان اثر نداشت.

خاندان ظالم و فاسد و غارتگر قاجاریه به عیاشی و تن‌پروری مشغول و به ظلم و یغماگری مألوف، که مردمان بی‌چاره را به خاک سیاه نشانده و انسان‌های ستم‌دیده را به روز تارک و تباه کشانده بود. حکومت و مردمان پاسبان حق و مجریان عدالت از این بازار آشفته و از این آب گل‌آلود، حدّ اکثر منافع و سود را داشتند، که اینان نیز با حمایت از علمای سوء به منظور کسب درآمد و افزایش «مداخل» به آتش ظلم و فساد و تباهی و شقاوت دامن می‌زدند.

اشعه باهره، ساطعه نافذه، خلّاقیه حیه که از آفتاب جمالش درخشیدن داشت، در دل و جان صافی‌ضمیران و روشن‌دلان تأثیری جانانه گذاشت، که شیفتگانی جان برکف پدیدار گشتند و دل‌باختگانی جان‌باز و فداکار به بازار آمدند. شیدائیان دل‌باخته‌اش چنان منجذب و آشفته گشتند و آن چنان مفتون و فریفته شدند که از خود بی‌خود بوده، در میدان جان‌بازی و به هنگام سراندازی بر یکدیگر سبقت می‌جستند، دست قاتل را می‌بوسیدند و به وقت شهادت رقص‌کنان و پاکویان به نغمه و آواز دمساز که:

سر و دستار ندانم که کدام اندازم  
 عزیزان عزیز می‌که بی‌نام به دنیا آمدند و گمنام  
 زیستند و غالباً بی‌نام و نشان از این جهان رفتند  
 تا در ملکوت ابهی در محضر معظم مکرّم ربّ  
 اعلیٰ جلّ جلاله الاسنی صاحب نام و نشان  
 گردند و بر «سرر متقابلین» جالس شوند.

در آن شب خجسته، مبارک، حضرت ربّ اعلیٰ  
 جلّ کبریائه پرده از رخ برگرفت و رسالت عظیم  
 و مقام مکرّم فخیم خود را به جهانیان ابلاغ  
 داشت. روز مبارک وصال، در آن شب فرخنده‌فال  
 و خجسته‌مال چهره گشود، که عالم وجود از  
 غیب و شهود از عنایات ربّ ودود بهره گرفت و  
 به اهتزاز آمد، که از همان ساعت نازنین و عزیز  
 بشارت جان‌بخش و روح‌انگیز:

یوم یقوم الناس لربّ العالمین

آشکار و پدیدار آمد که در همان شب فرخنده  
 مبارک به جهانیان اعلام فرمود:

«اننی انا البیت قد کنت بالحق مرفوعاً و اننی  
 انا المصباح فی المشکوة قد کنت باللّه الحقّ علی  
 الحقّ مضمیناً یا قرّة العین انک انت النّبأ العظیم فی  
 الملاء الاعلیٰ و ما ارسلنا من نبی الا و قد اخذناه  
 العهد للذکر و یومه»<sup>۴</sup>

نتیجه آشکار و اجتناب‌ناپذیر این ظلمها و  
 شقاوتها و غارتگریها و جهالتها، فقر و  
 تنگدستی، بیماری و بدبختی، گرسنگی و  
 برهنگی، بی‌نوائی و بی‌چارگی، بی‌کساری و  
 درماندگی وسیع و گسترده‌ای بود که به بیان  
 درنیاید و قلم از عهده شرحش درماند، که  
 نکبت و بدبختی، فقر و پریشانی، مسکنت و  
 بی‌نوائی از در و دیوار می‌بارید و مذلّت و  
 سختی، بیماری و درماندگی، جهالت و قساوت،  
 بی‌رحمی و شقاوت از هر زمینی می‌جوشید.

آفتاب جمال مکرّم ربّ اعلیٰ در این  
 ظلمتسرای وحشتناک پروسعت و در این  
 محنت‌کده، دلخراش پهناور درخشیدن گرفت، که  
 از نسائم روح‌پرور صبح ظهور، عالم وجود زنده  
 و تازه و فرخنده گشت، و جهان مظلّم دیجور،  
 روشن و تابنده گردید. خنک آن دلی که اسرار  
 شورانگیز فجر ظهور را شناخت و خجسته روانی  
 که این وقایع روحانی و لطائف قدس معنوی را  
 دریافت.

لو تکشف الفطاء عن وجه ما شهدته  
 لیفتنی الوجود فی طرف قریبه<sup>۱</sup>  
 و یا به قولی:

کاشکی پرده برافتادی از آن منظر حسن  
 تا همه خلق بدیدند نگارستان را<sup>۲</sup>  
 ستایندگان اسم اقدس اعزّ اعلیٰ و ساکنان  
 فُلك مکرّم حمراء:

«مژده به جان دهید که جانان تاج ظهور بر  
 سر نهاده و ابوابهای گلزار قدم را گشوده»<sup>۳</sup>  
 حضرت ربّ اعلیٰ جلّ کبریائه کنز معرّز الهی  
 و گنجینه مفخّم کبریائی بود که:  
 کنت کنزاً مخفیاً

که دوست داشت شناخته شود، پس خلقی را  
 خلق فرمود تا به عرفانش مفتخر آیند.

که از آن شب مبارک خجسته جان‌هایی پاک در سبیل امر «رب العالمین» بپاخواستند و به خدمت و جانفشانی در راه آن «نبا عظیم» قیام نمودند. عزیزانی که کعبه مقصودشان سرمنزل جانان بود و قبله مقدسشان جمال حضرت یزدان. اگر در شیراز منزل داشتی و یا در اصفهان مقرّ گزیدی و یا در تبریز مستقرّ شدی و یا در جبل ماکو محبوس گشتی و یا در چهریق غم‌انگیز زندانی و قلمبند آمدی؛ قبله همان سوست که مسکن و اقامتگاه اوست.

و از عجائب مسعود روزگار و نوادر محمود گردش لیل و نهار آن بود که در همان شب بی‌نظیر جان‌فزا، همایون غصن شکوهمند پروردگار، حضرت من طاف حوله الأسماء جلّ ثنائه الاقووم الابهی، از مصدر الوهیت و مطلع قدس ربوبیت جلوه‌گر آمد و از عالم بقاء به این خاکدان پرمخت و ابتلاء قدم نهاد؛

ای خاک آستان تو کحل بصر مرا  
نعلین دوستان تو افسر به سر مرا  
و براستی که آن شب عزیز و نازنین نیز؛  
مقابل شب قدر است و روز استفتاح<sup>۵</sup>

#### ۶- آثار مشهور حضرت نقطه اولی عزّ اسمه العلیّ الاعلیّ

در این قسمت به معرفی آیات مشهوره نازل از قلم اطهر افخم اعزّ حضرت ربّ اعلیّ جلّ کبریائه پردازد.

۱- صحیفه مبارکه، قیوم الأسماء  
جمال قدم جلّ جلاله الافخم در تقدیر و تحسین و تکبیر این صحیفه، معظّمه علیا می‌فرمایند قوله العزیز المجید؛

«أول و اعظم و اکبر از جمیع کتب.»<sup>۶</sup>  
سوره یوسف که قرآنی است یکی از

لطیفترین و شیواترین سورهای آن کتاب است که در مکه نازل گردیده و شامل یکصد و یازده آیه است، و در آن داستان شورانگیز اسارت و زندانی و بلایای وارده بر حضرت یوسف علیه السلام شرح داده شده است. کتاب مستطاب قیوم الأسماء ظاهراً عبارت از تفسیر آیهای سوره قرآنی است که به تفسیر سوره یوسف یا احسن القصص نیز مشهور است. نزول کتاب مجید قیوم الأسماء در شب مبارک پنجم جمادی الاولی ۱۲۶۰ و پس از اظهار امر مبارک به جناب ملا حسین بشرویه‌ای آغاز گردید و اولین سوره کریمه، قیوم الأسماء که به سورة الملك موسوم است در حضور جناب ملا حسین نازل گردید. بقیه این کتاب منیع در مدت کوتاهی و به نص صریح در چهل شب و روز تفنناً عزّ نزول یافت. این صحیفه مبارکه، علیا حاوی یکصد و یازده سوره است. به عبارت دیگر، در برابر هر آیه سوره قرآنی يك سوره مستقل نازل گردیده، که این کتاب کریم مجید مشتمل بر نه هزار و سیصد بیت است. وجه تسمیه این لوح منیع به قیوم الأسماء به آن جهت بوده که کلمه یوسف به حساب ابجد مساوی ۱۵۶ است که مطابق است با قیوم. در توقیع مکرّمی خطاب به حضرت خال می‌فرمایند، قوله تعالی شأنه؛

«و بدانکه عدد یوسف ۱۵۶ عدد قیوم است و مراد قائم آل محمد علیه السلام است و اوست حی قیوم و از این جهت بود که سوره اسم خود را تفسیر کرده.»

اسامی یکصد و یازده سوره این کتاب مبارک به ترتیب عبارتند از؛

ملك - علماء - ایمان - مدینه - یوسف -  
شهادة - زیارت - سر - عما - مسطر -  
عاشوراء - فردوس - قدس - مشیت - عرش -

لموسی و انا قد اظهرنا من نورك اقل من سم  
الابرة على الطور و من عليها و فاندك الجبل و قد  
كانت هباءً منشوراً و خر موسى صعقاً. <sup>۷</sup>

حضرت نقطه اولی جلّ ثناته با انجذاب و  
محبت بی پایان به تجلیل و تعظیم و تکریم جمال  
قدم و اسم اعظم پرداخته، و در غایت تأسف و  
تحسر، بلاها و محنتها و سختی‌هایی را که بر  
جمال کردگار و حضرت پروردگار (یوسف  
حقیقی) از دست برادر ناخلف خود (یحیی ازل)  
وارد خواهد شد بیان فرموده‌اند. و بالاخره این  
سفر مجید شامل خطابات صریحه و اندازات  
واضح به سلاطین، خصوصاً محمدشاه قاجار و  
وزیرش حاج میرزا آغاسی است. علماء و  
پیشوایان دینی را نصیحت نموده به پیروی از حق  
و حقیقت دعوت می‌فرمایند.

قسمتهائی و احتمالاً تمامی این رق منشور به  
توسط جناب باب‌الباب به حضور جمال قدم جلّ  
جلاله فرستاده شد. نسخهای از این کتاب  
مستطاب در ۲۳۴ صفحه که به خط محمد مهدی  
ابن کربلائی است و به سال ۱۲۶۱ هجری قمری  
تحریر یافته به تعداد معدودی تکثیر گردیده.  
امید است این سفر مجید هرچه زودتر با  
توضیحات مربوطه لازمه به زیور چاپ آراسته  
گردد تا جامعه عزیز امرالله از آن سفر مکرم با  
نصیب و بهره‌ور شود.

## ۲- کتاب مستطاب بیان

کتاب مستطاب بیان مشتمل بر دو کتاب  
است، بیان فارسی و بیان عربی. حضرت نقطه  
اولی جلّ جلاله اساس هر یک از این کتابها را بر  
نوزده واحد که هر واحدی شامل نوزده باب باشد  
گذاشته‌اند، که حاصل ضرب نوزده در نوزده  
برابر با ۳۶۱ و مطابق است با عدد کلثمی.  
بیان عربی تا واحد یازدهم و بیان فارسی تا

باب - صراط - سینا - نور - بحر - ماء -  
عصر - قدر - خاتم - حلّ - انوار - قرابت -  
حوریه - عزّ - حیّ - نصر - اشاره - عبودیت -  
عدل - تعبیر - فاطمه - شکور - انسان -  
کتاب - عهد - وحده - رؤیا - هو - مرثه -  
حجت - نداء - احکام - احکام - مجد - فضل -  
- صبر - غلام - رکن - امر - اکبر - حزن -  
افشده - ذکر - حسین - اولیاء - رحمت -  
محمد - غیب - احدیه - انشاء - رعد - رجع -  
- قسط - قلم - بعیر - کف - خلیل - شمس -  
- ورقه - سلام - ظهور - کلمه - زوال - کاف -  
- اعظم - باء - اسم - حق - طیر - نباء -  
ابلاغ - انسان - تثلیث - ربیع - نحل - اشهاد -  
- بی اسم - قتال - قتال - جهاد - جهاد - جهاد -  
- قتال - قتال - حجّ - حدود - احکام - جمعه -  
- نکاح - ذکر - عبد - سابقین - مؤمنین -  
تبلیغ - مجلّل.

هر چند این کتاب مستطاب جلیل به ظاهر به  
تفسیر احسن القصص مسمی گشته ولی در  
حقیقت، مشتمل بر حقائق عظیم روحانی و حاوی  
لطائف قدسی و معانی فخیم رحمانی است. شرح  
مقامات شامخه یوسف بقاء است و تبیین مراتب  
معظمه مقدسه نقطه اولی جلّ جلاله الأسنی و  
بشارت به ظهور حضرت بهاء الله من ینظره الله.  
اظهار امر و قدرت الهی است که هیمنت و  
عظمت یزدانی از آن ظاهر و مُشرق و متجلّی،  
«قل ادخلوا الباب سجداً لله وحده و قولوا  
بقیة الله خیر لكم من انفسکم و لا ترتابوا فی الله  
و لا تشکّوا فی امرنا فاننا لله و انا الیه رجوعاً قد  
کان بالحق فی امّ الکتاب قدیماً و انا نحن قد فجرنا  
الحجر لموسی حتی قد علم کلّ اناس مشربهم و قد  
کانوا بقدرتنا علی الحق بالحق فی ذلك الباب علیما  
و انا نحن قد تکلمنا فی الشجرة الطور باذن الله

باب دهم از واحد نهم را دربردارند، که بیان فارسی مجموعاً ۱۶۲ باب دارد. بیان عربی که به کتاب الجزاء نیز نامیده شده از حیث حجم و تعداد کلمات کوچکتر از بیان فارسی است و بیان فارسی شامل حدود هشت هزار بیت است.<sup>۸</sup> این هر دو کتاب مستطاب در قلعه ماکو و در سال سوم ظهور، از کَلک مبارک نازل گردیده که ابتداء بیان عربی و سپس بیان فارسی عزّ نزول یافته است و بیان فارسی شرح و تبیینی است بر مضامین و مطالب متنوعه بیان عربی. کتاب بیان عربی به خط مبارک نازل گشته که متأسفانه از آن نسخه اصل خبری در دست نیست.

نسخه‌هایی از کتاب مستطاب بیان عربی به خط کتاب موجودند که در شرائط سخت جان‌فرسا و احتمالاً بوسیله کاتبینی کتابت شده که به زبان عربی آشنائی کافی نداشته‌اند. این است که نسخه‌های بیان عربی که بوسیله بعضی از کاتبین تحریر شده با هم اختلاف دارند.

مسیو نیکلا بیان فارسی را به زبان فرانسوی ترجمه کرده و آن را به سال ۱۹۱۱ میلادی در چهار جلد چاپ و منتشر ساخته است.<sup>۹</sup> همچنین کنت دو گوپینو کتاب بیان عربی را به زبان فرانسوی ترجمه کرده است.

حضرت نقطه اولی جلّ کبریائه نزول بقیه ابواب کتاب مستطاب بیان را به ظهور و اراده مبارک من یظهره الله معلق داشته، و بطوری که مشهور است کتاب مستطاب ایقان در حلّ رموز و اسرار کتب آسمانی مکمل و متمم کتاب مستطاب بیان تلقی می‌گردد.

کتاب مستطاب بیان امّ الکتاب شریعت حضرت نقطه اولی جلّ کبریائه است که مشتمل بر احکام<sup>۱۰</sup> و نواهی و مؤذنه ظهور من یظهره

الله است:

«بدان که در بیان هیچ حرفی نازل نشده مگر اینکه اطاعت کنند من یظهره الله را که او بوده منزل بیان قبل از ظهور خود.»

هر بابی از کتاب مستطاب بیان فارسی با یک یا چند آیه عربی آغاز، و سپس آیات به زبان فارسی عزّ نزول یافته است و در پایان هر باب نتیجه و ثمره آن فرمان و دستور بیان گردیده، که ثمره و نتیجه هر حکم عدم احتجاج از من یظهره الله است. بیان عربی به استثنای چند آیه که به فارسی نازل گردیده، به زبان عربی است. حضرت نقطه اولی جلّ ثنائه جمیع آثار مبارکه خویش را در باب هفدهم از واحد سوم بیان فارسی، به بیان مسمی فرموده‌اند:

«کلّ آثار نقطه مسمی به بیان است.»

همچنین در باب اول از واحد ششم نیز چنین تصریح می‌فرمایند:

«و اسم بیان به حقیقت اولیه اطلاق بر آیات وحده می‌گردد زیرا که اوست حجّت عظمی و بینه کبری که دلالت نمی‌کند الا علی الله وحده و در حقیقت ثانویه اطلاق به مناجات و در ثالث به تفاسیر و در رابع به کلمات علمیّه و در خامس به کلمات فارسیه می‌گردد ولی کلّ در ظلّ آیات ذکر می‌گردد اگر چه آن سرّ فصاحتی که در اول ظاهر است و در آخر هم مستور است ولی چون کلّ نتوانند درک نمود ذکر نشده.»

و در ابواب دیگر نام «بیان» را اختصاصاً بر کتاب مستطاب بیان اطلاق نموده‌اند (باب ۱۳ از واحد ۳، باب ۱۹ از واحد ۲، باب ۱ از واحد ۳ و غیره). و همچنین دیانت مکرمه‌اش به شریعت بیان و مؤمنین به حضرتش به پیروان بیان مشهور بوده‌اند.

حضرت ولی امرالله جلّت سلطنته در تجید

اگر کتاب بیان نشر شود و یا ترجمه گردد ملل اجنبیه حتی اهل ایران گمان نمایند که اساس دین بهائیان آن احکام مندرجه شدیده در کتاب بیان است و حال آنکه به نص قاطع کتاب اقدس، آن احکام بیان منسوخ و مفسوخ است. پس باید کتاب بیان را بعد از انتشار کتاب اقدس در جمیع جهات ارض و اقالیم عالم نشر داد تا خواننده بداند که آن احکام شدیده منسوخ و مفسوخ است و پیش از انتشار کتاب اقدس و ترجمه اش و شهرت احکامش، نشر کتاب بیان جایز نه. و علیکم التحیه و القناه ع ع»<sup>۱۲</sup>

نظر به این امر و فرمایش حضرت عبدالبهاء، مرکز میثاق الهی، امید می رود که در مستقبل نزدیک عالم امر به انتشار کتاب بیان مفتخر بشود. کتاب بیان فارسی به توسط پیروان ازل در ایران در چاپخانه ای گمنام به چاپ رسیده و نسخه های آن موجود است.

یکی از مطالب مهم تحقیق در پهن دشت آثار الهی مسئله رابطه آیات طلعات قدسیه می باشد، چنانکه جمیع آثار از یک حقیقت واحد روحانی حاکی می باشند. در مورد احکام کتاب مستطاب بیان و رابطه آنها با احکام شریعت مقدسه بهائی مطالعات دقیقی توسط جناب دکتر محمد افنان انجام یافته است. حقیر نیز خلاصه پژوهش مقدماتی خویش را در مقاله «کتاب مستطاب اقدس: ام الکتاب اهل بهاء»، در شماره مخصوص پیام بهائی، عرض نمودام.

۲- دلائل السببه

مخاطب این توقیع امنع مبین، بطور قطع و یقین، معلوم و روشن نیست، که آیا این توقیع اصلاً مخاطب مخصوص و معلومی هم داشته، یا آنکه این سفر مجید برای عموم مردم نازل گشته که از عظیم ترین آثار استدلالیه حضرت نقطه

این سفر مجید می فرمایند قوله الاحلی،

«این مصحف آسمانی را باید فی الحقیقه گنجینه ای از وعود و بشارات و شرح اوصاف و نموت موعود دانست نه سنن و احکامی که دستور دائم و نظام مستمر جامعه بشریه را تشکیل داده و یا برای دلالت نسلهای آتیه، انسانی در قرون و اعصار متمادی مقرر شده باشد. این کتاب مبارک حدود و فرائض مسطوره، در قرآن کریم از قبیل صوم و صلوة و نکاح و طلاق و ارث و غیره را نسخ و در عین حال رسالت حضرت سید المرسلین را تثبیت و مقام آن حضرت را تکریم و تعظیم می نماید، همان نحو که پیغمبر اکرم احکام انجیل را نسخ و مبدأ غیبیه و حقیقت الهیه مندمج در شریعت مسیحیه را تصدیق و تأیید فرمود. بعلاوه در این کتاب مقدس بسیاری از آیات و کلمات مذکوره در صحف قبلیه مانند جنت و نار و موت و قیامت و حشر و رجعت و میزان و ساعت و جزاء و امثال ذلك به نهایت قدرت و بلاغت تبیین و معانی حقیقیه آنها تشریح گردیده است. این منشور الهی متضمن اصول و قواعد و احکام و فرائض است که متعمداً بنحو شدید و غلیظ تشریح گردیده و منظور از آن انهدام تأسیسات عتیقه بالیه و ایقاظ رؤسای دین و انتباه غافلین از رقد غفلت و خمودت و ایجاد انقلاب و تحول جدید در قلوب نفوس و تمهید سبیل برای ظهور دور بدیع بوده است.»<sup>۱۱</sup>

در مورد چاپ و طبع کتاب مستطاب بیان، حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«ای منادیان میثاق، در خصوص ترجمه و طبع کتاب بیان، احکامی در بیان موجود که به نص کتاب اقدس نسخ گردیده و بهائیان را تکلیف، نصوص قاطعه کتاب اقدس است. حال

اولی جل کبریائه است، که شارح هفت دلیل در اثبات حقایق مظاهر مقدسه، الهیه و عظمت آیات متعالیه، رحمانیه است. بعضی از مورخان مخاطب این سفر کریم را ملا محمدتقی هراتی که از پیروان جناب سید کاظم رشتی بوده معرفی کرده‌اند که احتمال دارد این حدس و گمان مقرون به حقیقت نباشد.<sup>۱۳</sup>

دلایل السبعه در ایام اقامت نه ماهه، هیکل مبارک در جبل ماکو عز نزول یافته که اقامت هیکل مبارک در قلعه مذکور از شعبان ۱۲۶۳ تا جمادی الاول ۱۲۶۴ طول کشید. نزول این سفر جلیل را باید مقارن و همزمان با نزول کتاب مستطاب بیان دانست ولی دقیقاً معلوم و مسلم نیست که نزول کدام یک از آنها مقدم بوده است. قسمتی از این سفر کریم به عربی و مابقی آن به زبان فارسی است که به اسلوبی بدیع و سبکی جامع و دلنشین هفت دلیل بر حقایق مطالع امر حضرت یزدان ارائه فرموده‌اند.

محض تبرک و تیمن و استحضار یاران آیاتی از آن کتاب مبارک نقل می‌شود، قوله العزیز الفرید،

«تصور نکنی که این امری است سهل که این خلقی است اعجب از خلق سموات و ارض و ما بینهما.»

«حال نظر کن که علمای نصاری عالم شدند از برای آنکه امت عیسی را نجات دهند و حال آنکه خود سبب شدند و خلق را ممنوع نمودند از ایمان و هدایت، حال باز برو و عالم بشو. کلّ امت عیسی اطاعت علمای خود می‌نمودند از برای آنکه نجات یابند در روز قیامت، و حال آنکه همین اتباع ایشان را داخل نار نمود در یوم ظهور رسول الله... حال برو متبع عالم شو. نه و الله، نه عالم شو و نه متبع بغیر بصیرت که هر دو

هالکند در یوم قیامت.»

این سفر کریم از نظر استدلال بسیار شبیه به کتاب مستطاب ایقان است که اصول استدلال در این دو اثر ارفع اعلی احتجاج به آیات الهی و تشریح دلائل متقنه، مظاهر قدس رحمانی است.<sup>۱۴</sup>

دلایل مبارکه که مفصلاً بیان گشته‌اند درباره، حجیت و دلیلیت آیات رحمانی است و به ترتیب عبارتند از،

(۱) هیچکس غیر از خداوند قادر نیست که آیات الهیه را نازل فرماید.

(۲) در قرآن دلیلی غیر از نزول وحی و صدور آیات بر حقایق رسول الله (ص) اقامه نگردیده که مردمان در مقابل آیات الهی ناتوان مانده، به عجز خود و قدرت خداوند معترف گشتند که:

«خداوند در فرقان بر حقیقت رسول الله بغیر از آیات استدلال به چیز دیگر نفرموده.»

(۳) آیات الهی بزرگترین دلیل بر حقایق انبیای رحمانی است و آثار پیام‌آور متأخر از آیات نبی متقدم، اعظم است:

«اگر آیات قرآنی اعظم از آیات کلّ انبیاء نبوده چگونه به آن نسخ شده کتب آنها؟»

(۴) آیات الهی دلیل کافی و قطعی بر صحت رسالت انبیاء است.

(۵) هیچ دلیلی بجز آیات الهی قابل قبول نیست، که معجزات هرگز مورد تحدی مظاهر امرالله نبودند. قوله الاحلی:

«نفس فرقان بنفسه کفایت می‌کند از کلّ معجزات دیگر.»

و به گواهی قرآن، معجزات متعددی که مورد تقاضا و تمنای مردم بود، مورد قبول واقع نگردید (محض نمونه به سوره اسراء رجوع نمائید).

(۶) همه مردمان از نازل کردن آیات الهی عاجز

۵- شرح احوال دلریا و تاریخ حیات عنصری مشمشع و گهربار جمال ذوالجلال رب اعلی ارواحنا و کینوتتنا لرشحات دمه الاظهر فدا در کتب تاریخی اهل بهاء مضبوط و ثبت گشته، که روز فرخنده اول محرم ۱۲۲۵ در شیراز پراوار متولد گردید:

بین هلال محرم بخواه ساغر راح که سال امن و امان است و ماه صلح و صلاح عزیز دار زمان وصال را کآندم

مقابل شب قدر است و روز افتتاح که این شعر از لسان الغیب حافظ شیرازی است که در دیوانی که به همت پژمان بختیاری به سال ۱۳۱۸ هجری شمسی چاپ و منتشر شده موجود است.

۶- کتاب مستطاب ایقان.

۷- قیوم الأسماء، سوره صبر.

۸- بعضی ها معتقدند که کتاب الجزاء اثر مستقل دیگری از آثار مبارکه است، که مفصلتر و حجیمتر است، که مستلزم مطالعه و تحقیق است.

۹- ادوارد براون انگلیسی نیز ترجمه‌ای از خلاصه بیان فارسی تهیه نموده است که اخیراً به همت دکتر مؤژان مؤمن چاپ گردیده است.

۱۰- عبد نویسنده مشغول به اتمام رساله مفصلی در باب رابطه احکام و حدود شریعت حضرت اعلی با احکام اسلام و ققه شیعه می‌باشد که عنقریب تقدیم یاران الهی خواهد گردید.

۱۱- کتاب قرن بدیع، ترجمه فارسی، چاپ کانادا، ۱۴۹ بدیع (۱۹۹۲ میلادی)، صص ۸۴-۸۳.

۱۲- مائده آسمانی، ج ۲، صص ۱۶-۱۷.

۱۳- به مقاله جناب دکتر محمد افنان «دلائل سبعة»، آهنگ بدیع، سال ۲۴، شماره ۹، صص ۳۱۷-۳۰۸ مراجعه شود.

۱۴- نگارنده مشغول تهیه مقاله مستقلی در باب رابطه این اثر جلیل و کتاب مبارک ایقان می‌باشد که مفصلتر، شباهت استدلال در این دو سفر عظیم مورد بحث و تفکر قرار خواهد گرفت، و همچنین رابطه این کتاب و جواهر الاسرار نیز متذکر خواهد شد.

و ناتوان هستند، و در مدت ۱۲۶۰ سال کسی مدعی وحی الهی و نزول آیات رحمانی نشد.

(۷) قدرت و عظمت آیات الهی به بقا و نفوذ آنها در دل و جان مقبلان ثابت و مبرهن است (دلیل تقریر) و هدایت مردمان جز در نزول و تلاوت آثار رحمانیه معقول و متصور نگردد.

در ضمن تشریح این دلائل هفت‌گانه حقایق و نکات و لطائف روحانی و معنوی تبیین یافته است.

حضرت ولی عزیز امرالله جل سلطانہ می‌فرمایند:

«دیگر از آثار قیمه منزله در قلعه ماکو کتاب دلائل السبعه است که از مهم‌ترین آثار استدلالی حضرت باب شمرده شده، دارای بیانی فصیح و تبیینی بلیغ و مضامینی بدیع و براهینی متقن و متین است.»

این سفر جلیل بوسیله مسیو نیکلا به زبان فرانسوی ترجمه و به سال ۱۹۰۲ میلادی طبع و انتشار یافته است.

نظر به رابطه نزدیکی که این کتاب منبع با کتاب مستطاب ایقان دارد مطالعه آن باعث تزئید معارف امری یاران می‌گردد.

ادامه دارد

#### یادداشت‌ها

۱- از قصیده مبارکه عز ورفائیة، آثار قلم اعلی ج ۳.

۲- در تاریخ حاج معین السلطنه تبریزی آمده است که خود ایشان شاهد بودند که در زمان شهادت و شمع‌آجین شدن، سلیمان خان تبریزی این بیت شعر را ترنم می‌نمودند.

۳- مجموعه الواح حضرت بهاءالله چاپ مصر، لوح مبارک با مطلع: «ای بلبلان الهی از خارستان ذلت...»

۴- قیوم الأسماء.



# سلامت و تعادل کره خاک مورد

## تهدید است

وضع محیط زیست در جهان امروز

حقیقت پژوه

در میان مسائل خطیر جهانی که اندیشه، متفکران و مسئولان و حتی عامه مردمان را به خود مشغول داشته و نگرانی عمیق در خاطر همگان پدید آورده مسأله، محیط زیست و آلودگی و تباهی روزافزون آن در صف نخست قرار گرفته است. نمودار این توجه و دل‌مشغولی برنامه، محیط زیست سازمان ملل متحد است که در شمار مؤسسات تخصصی مهم سازمان اخیر محسوب و در ناپروبی کنیا مستقر گردیده و از جمله خدماتش نشر اطلاعات و مطالعات موقت درباره وضع عمومی محیط زیست جهانی است. آخرین کتابی که از انتشارات این دستگاه ملاحظه شد کتابی است که ترجمه فرانسوی آن تحت عنوان «کره، ارض را نجات دهیم» در سال ۱۹۹۲ منتشر شده و اخیراً بدست ما رسیده است.

باب اول این کتاب همه در تشریح وضع کنونی محیط زیست و در ده فصل ارائه شده: آلودگی فضا - کاهش آزون - تفسیر آب و هوا (اقلیم) - آلودگی دریاها - تباهی منابع آب آشامیدنی - نقصان کیفیت خاکها و پیشروی صحرا - قطع درختان و تباه شدن جنگلها و بیشهها - کاهش تنوع حیاتی (بیولوژیک) - بعضی خطرات مهم و بالاخره مواد شیمیائی مسموم‌کننده و فضولات و زباله‌های خطرناک. ابواب دیگر کتاب بیشتر در جهت

چاره‌جویی است:

باب دوم، توسعه محیط زیست، باب سوم، شرایط زندگی و رفاه، باب چهارم، طرز دید و طرز رفتار و طرز سازگاری و بالاخره باب پنجم درباره ضروریات و تقدم‌های عمل و اقدام. تنها ارقامی چند از آنچه گواه نابسامانی وضع محیط زیست در حال حاضر است در اینجا نقل می‌شود:

فقط در سال ۱۹۹۰ فعالیت‌های آدمیان حدود ۹۹ میلیون تن اکسید گوگرد، ۶۸ میلیون تن اکسید ازت، ۱۱۷ میلیون تن اکسید کربن را روانه جو زمین کرده است. نیازی بشرح این مطلب نیست که این همه گازهای پر سمیت چه زیان‌هایی را برای سلامت بشر و تعادل جهان طبیعت در بردارد. مطالعات سازمان بهداشت جهانی دلالت بر آن دارد که هوای بسیاری از شهرهای بزرگ دنیا از لحاظ تنفس غیر قابل قبول است.

اکسیژن به نیروی سه را آزون گویند و این اکسیژن غلیظ که در فاصله ۱۵ تا ۶۰ کیلومتری سطح زمین قرار گرفته حکم یک تصفیه‌خانه طبیعی را دارد و اشعه ماوراء بنفش (موج ضعیف) را که برای سلامت موجودات زنده خطرناک است جذب و دفع می‌کند. معالاسف این لایه محافظ حیات از سالها قبل رو به تقلیل می‌رود و اگر وضع به همین منوال ادامه یابد

مخاطرات بزرگی را از جمله در زمینه، ایجاد سرطان‌های پوستی در بدن انسانی دربردارد.

محاسبات علمی حاکی از آن است که در فاصله سالهای ۱۹۶۹-۱۹۸۸ در جو نیمکره شمالی کاهش آزون در حد ۲ تا ۵/۵ درصد بوده در حالیکه کاهش ۱ درصد کافی است که سه درصد بر شیوع و رواج سرطان‌های پوستی بیفزاید.

گازهای متنوعی که بر اثر فعالیتهای صنعتی و کشاورزی، مصارف خانگی، وسایل نقلیه و غیر آن به هوا فرستاده می‌شود از جمله گازکربنیک جو زمین را دارد به نوعی شیشه خانه بسته تبدیل می‌کند که ناچار درجه حرارتش رو به بالا می‌رود و بالا رفتن درجه حرارت، شرائط زندگی، بارندگی، خشکسالی و غیر آن را در سطح کره ارض بکلی تغییر می‌دهد. گفته شده است که در صد سال اخیر درجه حرارت متوسط کره زمین بمیزان  $0/3$  تا  $0/6$  سانتیگراد بالا رفته و هم اکنون نیز عواقب ناگوار خود را بصورت‌های گوناگون بارز کرده است. از آلودگی دریاها که روزی امید میرفت منشأ تغذیه میلیاردها جمعیت اضافی عالم باشد همین يك رقم را ذکر کنیم که سالی ۵/۶ میلیون تن فضولات و زباله‌های مختلف در دریاها ریخته می‌شود. می‌گویند هر سال معادل  $22/3$  میلیون بشکه نفت به محیط دریا سرایت می‌کند. بارها تصاویر دخترش ماهیان مرده و مرغان دریائی از پای افتاده را در تلویزیون



دیده‌ایم و یادآوری بیشتر آن ضرورت ندارد.

لطمه فعالیت‌های بی‌رویه بشر تنها دامن آبها را نکرفته خاک‌ها، بیشه‌ها و جنگل‌ها هم از این رهگذر آسیب بسیار دیده‌اند. گفته شده که ۱۵ درصد زمین‌ها را دست بشر لم یزرع کرده و اگر فقط مثال قاره اروپا آورده شود از ۱۴۱ میلیون هکتار جنگل در این قاره ۵۰ میلیون یعنی حدود ۳۵ درصد بدرجات بیش و کم آسیب دیده و لطمه خورده است.

از جمله آفات دیگر، زباله‌ها و فضولات مختلفه صنعتی، داروئی و مانند آن است که موجب مسمومیت خاک و هوا و آب می‌شود. بر طبق يك تخمین جهانی، تولید سالانه مواد زائد زیان‌خیز حدود ۳۳۸ میلیون تن است که حدود ۸۱ درصد آن تنها در ممالک متحده امریکا ایجاد می‌شود. انتقال این مواد زائد خطرناک از کشوری به کشوری مشکل جهان را حل نمی‌کند. در این مورد هم مثل موارد دیگر تدابیر اساسی و قاطع ضرور است.

سخن را در مورد خطراتی که سلامت و تعادل جهان و دنیای انسان را تهدید می‌کند طولانی نکنیم. ریشه این

مشکلات را باید در روحیه انسان و بی‌پروائی او در تسلط و تصرف طبیعت جستجو کرد. ادیان بزرگ همواره احترام به جهان پیرامون یعنی عالم خلقت و مظاهر آن را تعلیم کرده‌اند و اعتدال در زندگی و از جمله در مصارف مادی پیوسته جزئی از آموخته‌های دینی بوده است. وجه متمیز آئین بهائی در این است که نه فقط به جهات اخلاقی رفتار با محیط زیست توجه کرده بلکه تعالیمی ارائه فرموده که عوامل اجتماعی آلوده‌سازی و تباهی جهان خلقت را بمیزان قابل ملاحظه‌ای کاهش میدهد یا ریشه برمی‌کند (از قبیل تحریم جنگ و اسلحه‌سازی، عدم موافقت با تمرکز افراطی ثروت در دست جمعیت یا جماعتی معین، ریشه‌کنی فقر و تنگدستی، ممانعت از آزمایش‌های اتمی و شیمیائی و مانند آن و در خدمت معنویات آوردن ترقی علم و تحقیق، و تعالیمی از این قبیل).

دیانت بهائی طبیعت را جلوه‌گاه اسماء و صفات کردگار می‌داند و لزوماً به چشم تحسین و تجلیل می‌نگرد و حرمت می‌گذارد و «کمال و جمال و عظمت» آن را می‌ستاید (امر و خلق ج ۱، ص ۱۲۰). خود این امر که عوالم جسمانی به انسان منتهی می‌گردد و «مقام انسانی نهایت قوس نزول و بدایت قوس صعود است که مقابل مرکز اعلی است» وحدت و یکپارچگی جهان خلقت را محرز می‌کند و به ارجح آن می‌افزاید. عالم خلقت در آثار بهائی به عنوان مجموعه‌ای از آحاد منفرد پراکنده ارائه نشده بلکه به صورت مجموعه‌ای از «روابط ضروریه، منبعث از حقائق اشیاء» یعنی به عنوان منظومه‌ها (سیستمها) تلقی و توصیف گردیده است، پس ناچار روابط فیما بین اجزاء این منظومه کلی وحدانی باید به موزونی و هماهنگی قرین باشد تا منظومه تعادل و دوام و استمرار حاصل کند، یعنی اگر انسان با طبیعت و محیط زیست روابط متعادل برقرار نکند فی‌الحقیقه نظام خلقت را دستخوش

اضطراب کرده است. بفرموده حضرت بهاء‌الله: «عالم به محبت خلق شده و کلّ به وداد و اتحاد مأمورند» (امر و خلق ج ۱، ص ۱۴۳) و بفرموده حضرت مولی‌الوری: «این جهان غیر متناهی مثل هیكل انسانی است جمیع اجزاء به یکدیگر مرتبط، در نهایت اتقان متسلسل یعنی اعضاء و ارکان و اجزاء هیكل انسان چگونه با یکدیگر ممتزج و متعاون و متعاقد و از یکدیگر متأثر، بهم چنین اجزاء این کون نامتناهی مانند هیكل انسانی اعضاء و اجزایش به یکدیگر مرتبط و از یکدیگر معناً و جسماً متأثر» (همان کتاب ص ۱۵۴). خود این ارتباط دقیق و عمیق و تأثیر تأثر از تجلیات «حکمت بالهنه الهیه» است (۱۵۶) و «اگر چنین نبود در نظام عمومی و ترتیبات کلی وجود اختلال و فتور حاصل می‌شد». حضرت عبدالبهاء تعاون و تعاقد و تفاعل را نه فقط از خواص کائنات بلکه «سبب تکون و نشو و نمای موجودات» دانسته‌اند (۱۵۶) و در نتیجه بشر نه فقط باید ارتباطات بین اجزاء عالم طبیعت و محیط زیست را پاس دارد (اکولوژی) بلکه در توسعه و افزایش «تکون و نشو و نمای موجودات» یعنی تجمیل طبیعت و حفظ منابع غیر قابل تجدید و غنی‌تر کردن عالم وجود (مثال آن احداث جنگلها، افزایش آبهای شیرین) و پاکیزه‌سازی محیط به مدد علم و فن کوششی بسزا کند.

این بیان جمال اقدس ابهی گواه این معنی لطیف است قول‌الاعلی: «از علو جود بحت و سمو کرم صرف در کلّ شئی ممّا یشهد و یری آیه عرفان خود را ودیمه گذارده تا هیچ شیئی از عرفان حضرتش علی مقدار و مراتبه محروم نماند و آن آیه مرآت جمال اوست در آفرینش و هر قدر سعی و مجاهده در تلطیف این مرآت ارفع ارفع شود ظهورات اسماء و صفات و شئون علم و آیات در آن مرآت منطبق و مرتسم گردد علی مقام... یسمع عن کلّ شیء الا انه لا اله الا هو.»

# معرفی کتاب

رساله مدنیّه و مسأله تجدّد در خاور میانه

نوشته دکتر نادر سعیدی

مطالعه معارف بهائی - شماره ۶

۱۵۰ بدیع - ۱۹۹۳ میلادی

مؤسسه معارف بهائی (کانادا) - ۹۷ صفحه

بر این هدف اصلی، رساله مدنیّه از ارتجاع و بنیادگرایی (Fundamentalism) علمای مذهبی انتقاد نموده و فساد حاکم در جامعه را مورد تحلیل و نکوهش قرار داده. بهمین ترتیب رساله مدنیّه تقلید کورکورانه تمدن غرب و مظاهر منفی مدنیّت اروپا را نفی نموده و سیاستهای پرخاشجو و ظالمانه دنیای غرب را بباد حمله گرفته است.» (صص ۱۵-۱۴)

به اعتقاد دکتر نادر سعیدی رساله مدنیّه از تجدّد دفاع می‌کند، اما تعریف تجدّد از نظر رساله مدنیّه با تعریف غربی تجدّد در نظریه روشنگرایی تفاوت‌های عمده دارد. مؤلف این تفاوت‌ها را در ۵ نکته خلاصه می‌کند:

۱- به خلاف مکتب روشنگرایی، امر بهائی تجدّد و تدین را نه تنها منافی یکدیگر نمی‌پندارد بلکه تدین را ضروری تجدّد و تجدّد را غیر قابل انفکاک از تدین راستین می‌شمارد.

۲- تجدّد با اصل عقلانیت مترادف است، اما در حالی که روشنگرایان به عقل تکنیکی یعنی خردی که متوجه وسائل و ابزار است و وسیله حصول تسلط بر طبیعت اکتفا می‌کنند، از منظر بهائی عقلانیت معنوی روحانی که تجلی عقل کلی الهی است هم مطرح است.

خوانندگان پیام بهائی با نام دکتر نادر سعیدی محقق جوان و کوشای بهائی آشنائی دارند. تحقیقی که ایشان در مورد رساله مدنیّه (که به سال ۱۸۷۵ میلادی از قلم حضرت عبدالبهاء صادر شده) کرده‌اند به معرفی کلی آن رساله ارزشمند و محتوای آن محدود نمی‌شود، بلکه نویسنده سعی کرده که ارتباط این رساله را با مسأله تجدّد که در عالم اسلام و خاورمیانه از همان زمان مطرح بوده و هنوز هم مطرح است به درستی نشان دهد.

به گفته دکتر سعیدی «رساله مدنیّه حضرت عبدالبهاء کوششی است برای تغییر افکار سران سیاسی منجمله ناصرالدین شاه، علمای مذهبی، روشنفکران غیرمذهبی و جمهور مردم ایران در جهت اصلاح و تجدّد راستین. بهمین جهت است که رساله مدنیّه به همه عوامل شکست سیاست اصلاح و تجدّد در ایران توجه نموده به حل آنها اهتمام می‌ورزد. البته نقطه عطف رساله مدنیّه ارائه جهان بینی و ایدئولوژی صحیحی از مسأله تجدّد و مفهوم تمدن و ترقی است، که شاید عوام و خواص ایران از خواب نادانی بیدار شده و با آگاهی و هشجاری در جهت اصلاح و ابداع قدم گذارند. اما علاوه

۳- در حالی که از عمده‌ترین مشخصات تجدّد در فلسفه، روشنگرانی اصل تفرّد یا فردگرایی و حتی خودخواهی و خودکامگی است، امر بهائی جانبدار آن نوع فردیت است که در آن همه افراد انسانی برابر و برادر شناخته می‌شوند و به آزادی همه آنها احترام گذاشته می‌شود، چون انسان به عنوان مرآت صفات الهی منظور است.

۴- در اندیشه اصحاب ترقی، آزادی خصوصیت عمده تجدّد است. امر بهائی به خلاف مکتب روشنگرانی که تبعیت از اهواء نفس را هم آزادی می‌داند قائل به ضرورت عمل بر اساس شئون و اصول اخلاقی است.

۵- و بالاخره تجدّد از منظر بعضی مستلزم تفکیک نهادهای اجتماعی چون علم، اقتصاد، هنر، مذهب، سیاست و مانند آن از یکدیگر است. این نظر مورد تأیید اهل بهاء نیست و به عبارت دیگر باید نهادهای اجتماعی در عین استقلال، با یکدیگر در تعاون و تعاضد باشند. مثلاً علم باید به توسط اصول اخلاقی و روحانی هدایت شود و به همین قیاس نهادهای دیگر از یکدیگر متأثر باشند.

\*\*

از آقای دکتر نادر سعیدی باید ممنون بود که رساله مدنیّه را بدینگونه<sup>۱</sup> از دیدگاه فلسفه و جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار داده‌اند. بی‌گمان این رساله را از زوایای

دیگری هم می‌توان موضوع پژوهش قرار داد و بی‌شبهه در آینده ارج و مقام این اثر شریف منجمله در امور مملکتداری و تنظیم جامعه و ترتیب روابط انسانی آشکارتر خواهد شد. توفیق این محقق عزیز را در ادامه اینگونه خدمات علمی خواستاریم.

#### معرفی کتاب مستطاب اقدس

تألیف بدیع‌الله فرید (شهید)، چاپ دوم

دفتر امور احبای ایرانی-امریکائی

ویلمت ۱۹۹۳، ۴۶ صفحه قطع پستی، ۴ دلار

این رساله را شهید مجید جناب فرید بمناسبت یکصدمین سال نزول کتاب مستطاب اقدس به رشته تحریر درآورد و برای بار اول در سال ۱۳۰ بدیع در طهران منتشر شده است. رئوس مطالب آن بدینترتیب است: مقدمه - موقع و شرح نزول و تسمیه کتاب - مرجعیت، عظمت، القاب و نام‌های دیگر کتاب مستطاب اقدس - نظری به بعضی از آیات کتاب، خطابات به علماء، زمامداران و اهل بیان - احکام نازل در کتاب اقدس و اقسام آن - سبک و شکل ظاهر کلمات - رساله سؤال و جواب - کتاب اقدس واضح صراط مستقیم امر الهی - نسخ کتاب اقدس - مأخذ و منابع (فهرست مأخذ و منابع در چاپ دوم از طرف مرکز جهانی مطالعه، الواح تهیه شده است).

۱- چند صباحی است که بحث در مورد نوگرایی یا تجدّد در مطبوعات فارسی بازار گرمی یافته (رجوع شود به شماره ۳۷ مجله کلك و شماره‌های اخیر مجله ایران نامه)، اما البته این بحث تازگی ندارد و از زمان قاجاریّه در میان متفکران ایران و مشرق زمین مطرح بوده و امروزه هم خود اندیشمندان غرب درباره عواقب نامطلوب «مدرنیزاسیون» منجمله از خودبیگانگی آدمیان، سردی و سستی روابط اجتماعی، تباهی محیط زیست، انحطاط اخلاقی و تسلط اقتصاد و مادیت بر همه نهادهای جامعه و بر اندیشه افراد بحثها و گفتگوهای فراوان دارند که انشاءالله در موقع خود پیام بهائی به آنها توجه و در این زمینه گسترده امعان نظر خواهد کرد.

## از گلخن فانی به گلشن باقی

### مهرانگیز خانم وحید طهرانی

مهرانگیز خانم وحید طهرانی در طهران متولد شد و یکی دوسال اولیه تحصیل را در آن شهر گذراند. بعد به معیت پدر بزرگوار و مادر مهرپرور به همدان سفر نمود و در مدرسه موهبت مشغول تحصیل شد. در سن ۱۳ سالگی بر اثر هجوم اعداء که قصد کشتن پدر ارجمندش جناب سید حسن هاشمی زاده ملقب به متوجه را داشتند مادر عزیز خود را از دست داد. از همان اوان کودکی خواندن الواح را به عربی و فارسی نزد پدر آموخت. بعد از ازدواج با مرحوم عبدالله وحید طهرانی به طهران سفر نمود و در کلاس جناب فاضل مازندرانی شرکت کرد و در نقشه ۴۵ ماهه به اتفاق شوهر و سه طفل خود به امر حضرت ولی امرالله به افغانستان مهاجرت نمود. با ورود این دو نفس اولین محفل مقدس روحانی کابل که بی نهایت مورد نظر هیکل مبارک بود بالاخره تشکیل شد و حضرت ولی امرالله هدیه گرانبهائی به این مناسبت به محفل روحانی کابل عنایت فرمودند. با آنکه تا آن موقع خانمها در ایران و در سایر ممالک شرقی حق شرکت در محافل روحانی را نداشتند، به علت نبودن عده کافی در افغانستان هیکل مبارک اجازه فرمودند خانمها به عضویت محفل انتخاب شوند. بعد از شش هفت سال هجرت از طرف دولت افغانستان امر به اخراج کلیه احباء شد و ناچار آن زوج به طهران عودت نمودند. در طهران مرحوم عبدالله وحید در اثر بیماری و بعد از تحمل مشقات بسیار به ملکوت ابهی صعود نمود. بعد از انقضای چند سال خانم ایشان در انگلستان رحل

اقامت افکند و از آنجا برای مهاجرت به همراه پسرشان به عربستان سعودی رفتند. بعد از انقلاب ایران امر به اخراج ایشان شد و به اسپانیا سفر نمودند و از طرف معهد اعلی تقدیرنامه‌ای به افتخارشان صدور یافت که نمایانگر خدمات ایشان می باشد.



خانم مهرانگیز وحید طهرانی

اخیراً در روز دوم ژانویه ۱۹۹۴ بعد از يك بیماری چندماهه به ملکوت ابهی صعود نمودند. از ایشان دو دختر و يك پسر باقی مانده که همگی در نقطه مهاجرتی خود قائم به خدمت می باشند. در زیر بخشی از ترجمه مرقومه دارالانشاء بیت العدل اعظم مورخ ۱۰ نوامبر ۱۹۸۸ خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان اسپانیا نقل می گردد: «امه الله

خانم وحید مهرانى ابتدا در معیت همسر خود جناب عبدالله وحید مهرانى و سپس رأساً مدت پنجاه سال در افغانستان و زاهدان و شیراز و بعضی از شهرهای اروپا قائم به خدمات مهاجرتی بوده‌اند و پس از صعود جناب وحید مهرانى این امه موقنه و پسرشان فؤاد به عربستان سعودی مهاجرت کردند و در جدّه و مکه و اخیراً در ریاض اقامت نمودند. ام‌الله سرکار خانم وحید مهرانى سرمشق استقامت و رضا و انقطاع و فداکاری بوده‌اند و علی‌رغم کبر سن در هر کجا اقامت داشته‌اند مایه الفت و محبت و تشویق احبّاء بوده‌اند و اوقات خود را صرف تعلیم آنان نموده‌اند. داستان زندگانی ایشان فی‌الواقع تاریخی و فداکاری‌های ایشان باید برای سایر دوستان نمونه و سرمشق باشد.»

\*\*

#### خانم رضوان فرهادی

خانم رضوان فرهادی در سال ۱۳۰۵ شمسی در یکی از قراء آباده شیراز در خانواده‌ای که مادر مسلمان و پدر با بهائیان محشور بود دنیا آمد. در سال ۱۳۲۷ شمسی در طهران با پسردائی خود آقای غلامعلی داودی که در آن زمان هر دو مسلمان بودند ازدواج کرد. همسرش در سال ۱۳۳۱ امر مبارک را در طهران تصدیق نمود و در سال ۱۳۳۷ به مهاجرت به قریه در که شمیران اقدام نمود و در همان محل مهاجرت، رضوان خانم امر مبارک را تصدیق کرد و افتخار عضویت اولین محفل روحانی شاه‌آباد شمیران و مهرشهر کرج نصیبش گردید. در میزبانی جلسات پیشقدم بود. در اوت ۱۹۷۵ در طی نقشه ۵ ساله به اتفاق فامیل اقدام به مهاجرت به کشور اسپانیا نمود. در طی طریق به امر هجرت به زیارت ارض اقدس نائل گردید.

در اسپانیا به اتفاق فامیل فاتح شهر گردید و بعدها عضو جوامع بهائی Alcalá de Henares و San Fernando (Cádiz) بود. در سال ۱۹۸۵ افتخار عضویت اولین محفل شهر Almerio نصیب او گردید و تا آخرین لحظه حیات از این موهبت برخوردار بود. در مشکلاتی که بعد از انقلاب ایران برای او و خانواده پیش آمده بود همواره صابر و شکیبا بود و به درگاه الهی شاکر، و با وجودی که از سنین جوانی دچار آسم بود بسیار آرام و متوکل بود. در سالهای آخر زندگی دچار دردهای دیگری گردید که کم‌کم شمع وجودش را آب نمود، تا اینکه در بامداد روز ۴ فوریه ۱۹۹۴ روح پرفتوحش به سبب سکنه قلبی به ملکوت ابهی صعود نمود.

از ایشان چهار فرزند باقی مانده است که یکی در کشور مقدس ایران و سه فرزند دیگر هر کدام در یکی از شهرهای کشور اسپانیا در ظل امر مبارک و خادم به آستان الهی هستند.

\*\*

#### جناب احمد شهری‌زاده

چنان که خانم فردوس شهری‌زاده از آرژانتین خبر می‌دهند همسر ایشان جناب احمد شهری‌زاده اخیراً به ملکوت ابهی صعود نموده‌اند. ایشان در ایام حیات مانند کوهی در ایمان به امر رحمن ثابت و مستقیم بوده و از امتحانات شدیدی که با آن مواجه بود سربلند و پیروز بیرون آمده و همواره نظرش و مقصدش کسب رضای الهی بوده است. نامبرده در روز دوم ایام صیام که در کمال سلامت برای دادن هدیه‌ای به طیب خود به بیمارستان رفته بود ناگهان گرفتار عارضه‌ای شد و در همان یوم و همان محل به عالم باقی شتافت. روحش در ملکوت ابهی شاد و پرفتوح باد.

## نامه‌های خوانندگان

بحسبوجه، جنگ جهانی دوم (۸ فوریه ۱۹۴۴) برای ادامه، تحصیلات خود عازم ایالات متحده آمریکا شدند و همگی نه فقط در تحصیلات بلکه در خدمات روحانی نیز به موفقیت‌های بارزی نائل آمدند آمده است. این ۹ نفر پنجاهمین سال ورود خود را به آن قاره روزهای ۴ تا ۶ فوریه در مدرسه بهائی بوش جشن گرفتند. از جمله این نفوس جنابان دکتر فیروز کاظم‌زاده، شیدان فتح‌اعظم، دکتر هوشنگ جاوید، دکتر منوچهر جاوید، دکتر نصرت‌الله راسخ، دکتر امین بنانی و جناب روح‌الله زرگرپور هستند.

\* از خانم گیتی دفرس علائی نامهای داشتیم مورخ ۲۴ آوریل ۱۹۹۴ که همراه آن پستری حاوی خلاصه فشرده تاریخ امر بهائی از ابتدا تاکنون همراه با تصاویر (ترسیمات) فرستاده شده. این پستر به دو زبان هلندی و انگلیسی تهیه شده و بهای آن همراه با هزینه ارسال معادل ۲۷ یا ۴۰ گیلدر هلندی است. دوستان علاقه‌مند می‌توانند به آدرس زیر سفارش دهند. این پستر مورد عنایت معهد اعلی قرار گرفته است (دستخط مورخ ۳۱ دسامبر دارالانشاء).

Mrs DeVries-Alac

S. Ardvenweg 597

3065 SC Rotterdam

The Netherlands

\* جناب حسین رستگار طی نامه‌ای ضمن اشاره به شماره ۱۷۳ آوریل ۱۹۹۴ پیام بهائی،

\* ایادی محترم امرالله جناب علی اکبر فروتن ضمن ابراز مرحمت به این مجله و نویسنده‌گان آن تقاضا فرموده اند تصحیح زیر درج شود:

از خوانندگان محترم مقاله "سوف یحیط الارض و من علیها" که در شماره ۱۷۴ منتشر شده رجا می‌شود بیان مبارك مولای توانا حضرت ولی امرالله را که در صفحه ۱۲ نقل شده باینصورت اصلاح فرمایند: «ظلمی نماند که بر اصل شجره نابت، الهیه وارد نکشت و طمعی نماند که از نفوس واهیه، ساهیه، سافله بر پیروان امر حضرت ربّ البریه متوجه نگردد...»

\* آقای عزت الله جزایری نیز تقاضا کرده‌اند در مقاله ایشان در شماره ۱۷۴ صفحه ۲۴ ستون ۲، سطر ۱۴، "هشت سال" به "هشت ماه" تصحیح گردد.

\* آقای دکتر اولادی خبرنگار مجله در بولیویا خبر می‌دهند که در اوائل ماه فوریه یک طرح تبلیغی در اطراف رادیو بهائی در آن کشور داشته‌اند که منجر به تصدیق بیش از سیصد نفر در ظرف ۵ روز شده است. بفرموده ایشان «جای دوستان خالی واقعاً میدان تبلیغ وسیع است و کوتاهی ماست که از این موقعیت حد اکثر استفاده را نمی‌کنیم.»

\* در امریکن بهائی شهرالجلال ۱۵۱ بدیع شرحی در مورد ۹ تن دانشجوی ایرانی که در



اصلاحی را در مطلب مندرج در صفحه ۲۹ آن مجله ضرور دانسته‌اند، «فرزند این عبد آقای دکتر سهی رستگار استاد دانشگاه شهر کالج استیشن است. مقاله نقش دیانت بهائی در ساختن قرن بیست و یکم را ایشان تهیه کرده‌اند ولی به علت اشتغال، رونویسی و تنظیم آن را به این عبد واگذار نمودند.»

\* جناب عباس مظلوم نصوص مبارکهای در مورد احترام و حق شناسی نسبت به والدین از طرف فرزندان که یک وظیفه شرعی است از جلد دوم مکاتیب حضرت عبدالبهاء (صفحات ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۵) استخراج و ارسال فرموده‌اند. از لطف ایشان تشکر می‌کنیم. در همین زمینه، نصوصی عنقریب در پیام بهائی خواهد آمد.

\* در تأیید نظر جناب دکتر نصرت‌الله محمدحسینی (مقاله "مقام حضرت باب"، شماره ۱۷۵ پیام بهائی) آقای سیامک ذبیحی می‌نویسند: «عنوان صابین در آثار مبارکه، علاوه بر پیروان حضرت یحیی تعمیددهنده (کتاب بدیع)، بر دیانتی که در زمان حضرت ابراهیم در کلدیه رواج داشته نیز اطلاق می‌گردد. شاهد این مطلب بیان حضرت ولی امرالله است در Lights of Guidance, 2nd Edition, New Delhi

1988.No.1694, 502-503  
به تصریح حضرت ولی امرالله، حضرت ابراهیم از پیروان آئین صابین محسوب می‌شده‌اند.»

\* از خوانندگان عزیز می‌خواهیم که این مجله

و نویسندگان آنرا مورد لطف قرار داده‌اند از جمله خانم پریچهر مازگانی، خانم عصمت دینی و جناب ابوالفضل رحمانی کمال سپاسگزاری را داریم.

\* از نامه جناب سهیل زیرجدی که حاوی خبر پخش برنامه یکساعته رادیویی توسط جامعه بهائی در روزهای دوشنبه هر هفته در منطقه واشنگتن است بسیار خوشوقت شدیم و توفیق همگی دست اندرکاران این برنامه را آرزو می‌نمائیم.

\* یکی از دوستان، شعر زیبای زیر را به خط سراینده محترم، جناب حسین قراجداغی، برای ما فرستاده‌اند. از لطف ایشان سپاسگزاریم.

نسیم خابیت	
دگر بختی است آفتاب نور	کرده عالم پر از شراب نور
در بر شمع غم چه بنشستی	پرده را بر کوفه صبح سرود
چه سحره نسیم گوی است	کرده از بسترت هزار مرد
بی گمان یکت بیکت فاکره	داده آئی که داد و درت خفزه
گوزن است که فصل قوی رفت	گشت سده و باب فن و فنور
عدل کن جاده ای کفر پریش	یک خواندست خدا نظر کفر
در عبادت اگر بود اخلاص	نیست حاجت با جریا بگوا
لن ترکتی اگر نذارون	بگشتند حدیث موسی و طور
حاضر است آن نگار عالم غیب	می پذیرد ترا چه خوش بگفوز

\* دفتر امور احباء ایرانی در شیکاگو اطلاع داده‌اند که با پشتیبانی بنیاد حاج مهدی ارجمند نخستین مجمع مطالعه آثار مقدسه بزبان فارسی از ۱۴ تا ۱۶ اکتبر ۱۹۹۴ در مدرسه بهائی گرین ایکو در

.....

بلبل از شوق رخ گل در چمن  
با سرور و اشتعال آمد پدید  
\* جناب عطاء الله ندیمی با توجه به مطالب  
شماره ۱۷۱، فوریه ۱۹۹۴ در مورد هنر  
خوشنویسی مرحوم ضیاء الدین ندیمی پدر  
گرامیشان، با ارسال سه قطعه از نمونه خط  
خوش ایشان مرقوم داشته‌اند که آن متصاعد  
الی‌الله چند بار از ساحت مقدس حضرت  
عبدالبهاء مفتخر بدریافت الواحی شده‌اند.

تقاضا از خوانندگان

پیام بهائی در صدد است بر میزان عکس‌ها  
و تصاویر مجله بیافزاید و نه تنها در مورد اخبار  
بلکه در زمینه مقالات و اشعار گوناگون نیز از  
عکسهای مناسب و یا طرحهایی که توسط  
هنرمندان کشیده می‌شود استفاده نماید.  
از همه خوانندگانی که از جلسات و وقایع  
مهم بهائی عکس می‌گیرند تقاضا داریم با ارسال  
عکسهای روشن و گویا از وقایع، شخصیت‌ها،  
ابنیه و اماکن ما را یاری فرمایند. عکس‌ها  
می‌تواند سیاه و سفید یا رنگی باشد اما در  
درجه اول روشنی و وضوح آن، و رساندن پیام و  
یا خبری که حاوی آنست اهمیت دارد. در مورد  
بناهای بهائی اگر عکس از زاویهای تازه‌ای گرفته  
شود که قبلاً در مجله چاپ نشده باشد بسیار  
مورد استقبال و تقدیر ما خواهد بود. هم چنین از  
دوستانی که طراحی می‌دانند تقاضا داریم  
نمونههایی از کارهای خود را برای ما ارسال  
فرمایند تا بر اساس شیوه کارشان برای  
همکاری و مصور کردن مقالات و کشیدن  
طرحهای مختلف از جمله برای پشت جلد و یا  
اعلان کتابها و غیره با ایشان تماس بگیریم.

ایالت مین برگزار خواهد شد. از همه دوستان  
برای شرکت در آن مدرسه دعوت می‌شود.  
کسانی که مایل به سخنرانی در این مجمع  
هستند خلاصه نطق خود را تا اول سپتامبر ۹۴  
بدقتر مذکور به نشانی محفل روحانی ملی امریکا  
ارسال فرمایند.

\* از جناب عباس بیضائی، استرالیا قطعه  
شعری زیر عنوان صلح رسیده که از جمله چنین  
سروده‌اند:

ای بشر تاکی بخواب غفلتی بیدار شو

از عداوت بگذر و با اهل عالم یار شو

با بنای آشتی بگذار رسم مردمی

دوستی را پیشه کن از صلح برخوردار شو

تا توانی برگشا از کار این و آن گره

ناتوانانرا به لطف و مکرمت غمخوار شو

از لطف ایشان در ارسال این شعر

سپاسگزاریم.

\* جناب بدیع الله ندیمی شرحی را که آقای

پرویز جعفری ساکن سیدنی زیر عنوان معجزه

اعداد تهیه کرده‌اند مرحمت داشته‌اند. از هر دو

نفس محترم سپاسگزاریم. بخشی از این

محاسبات قبلاً در این مجله آمده است.

\* جناب بلبل معانی قطعه شعری را که در

سال ۱۹۹۰ سروده اند برای ما فرستاده اند که

چند بیت آنرا با سپاس فراوان نقل می‌کنیم:

یار آمد شور و حال آمد پدید

با دو صد جاه و جلال آمد پدید

شد شب تاریک هجران از میان

روز دیدار و وصال آمد پدید

شد جمال اقدس ابهی عیان

جلوه حسن و جمال آمد پدید

باز شد بر اهل عالم باب علم

دوره فضل و کمال آمد پدید

## اخبار و بشارات جهان بهائی

### دفتر جامعه بین‌المللی بهائی

۱- براساس گزارش دفتر حفظ محیط زیست جامعه بین‌المللی بهائی BIC، این دفتر در تدوین و انتشار کتابی تحت عنوان "شاهکارهای انسان و طبیعت، حفظ میراث‌های جهان ما" نقشی مهم ایفا کرده است. کتاب فوق‌الذکر در چهارچوب فعالیت مشترک سازمان فرهنگی، علمی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) و اتحادیه پاسداری از جهان World Conservation Union انتشار یافته است. مقاله دفتر حفظ محیط زیست جامعه بین‌المللی بهائی تحت عنوان "جهان یک کشور، نوع بشر شهروندان آن" در این کتاب مقالاتی از مدیر کل یونسکو، رئیس جمهوری قبرس، معاون ریاست جمهوری آمریکا، ملکه اردن، دبیرکل شورای اروپا، رئیس کشور چین، دوک ادینبورگ و تنی چند از دیگر بلندپایگان علمی و اجتماعی کشورهای مختلف جهان آمده است.

۲- دفتر اطلاعات عمومی جامعه بین‌المللی بهائی در پاریس یک بولتن خبری بطور منظم منتشر می‌کند که در آن اخبار روابط عمومی در جوامع مختلف اروپا را می‌توان یافت.

### امر بهائی در یوگسلاوی سابق

طبق گزارش جناب هوشیدر بالا زاده (۹۴/۵/۴) در رضوان امسال چهار محفل روحانی ذیل در جنوب یوگسلاوی سابق تشکیل شده‌اند: بلگراد، نویساد، اسکوپیه و استروگا. امید می‌رود که محفل روحانی دبار نیز بزودی تشکیل گردد. در میان آشوب آن مناطق، چنین بشاراتی البته موجب نهایت مسرت است.

### ایسلند

در اواخر آوریل خبر رسید که متأسفانه حظیرةالقدس ایسلند بر اثر حریق ویران و معدوم شده است. ظاهراً این آتش‌سوزی کار مجرم غیرمعمادلی است. دوستان ایسلند در تکمیل ساختمان این بنا با دلسوزی کامل مشارکت کرده بودند.

### آکادمی بهائی پنجگنی هندوستان

طبق اطلاع رسیده هشتاد و نهمین و نودمین دوره‌های آکادمی بهائی پنجگنی به زبان فارسی در روزهای اول تا بیست و یکم ژوئیه ۹۴ دائر خواهد بود. این برنامه سرآغاز دوره دوساله تحقیق و تدقیق در آثار مبارکه و تعالیم الهی است و مباحث عمده آن شامل دو موضوع کتاب مستطاب اقدس و نظم بدیع جهان‌آرای الهی خواهد بود.

### چند خبر از انگلستان

۱- طبق مرقومه جناب دکتر مهدی سمندری از لندن امسال کانونشن ملی بریتانیا با حضور قریب هفتصد نفر تشکیل شد. شبی هم نمایش باله و اجرای موسیقی با حضور مدعوین غیربهائی، قریب دویست نفر، برپا شد که بسیار جالب بود. نظم و ترتیب و روحانیت جلسات مایه بهجت دلها بود.

۲- جنه امور احبای ایرانی در انگلستان تعهد کرده است که طی دو سال باقی‌مانده نقشه سه ساله هر سال مبلغ ۶ هزار پوند یعنی یک واحد ۹ هزار دلاری جمع‌آوری و برای طرح‌های ساختمانی کرمل تقدیم نماید. به این قسمت از پیام مورخ شهرالکمال ۱۵۰ بدیع

پیام بهائی شماره ۱۷۶

اسپیرانتو آشنائی دارند و از طریق این زبان می‌توان باب تبلیغ را مفتوح کرد.

حضور همسر رئیس جمهور تری‌نیداد در کانونشن بهائی

در انجمن شور ملی تری‌نیداد بانوی اول کشور تری‌نیداد و توباگو، همسر ریاست جمهوری، به دعوت محفل مقدس ملی در مراسم افتتاح کانونشن ملی بهائیان این کشور شرکت نمودند. پس از برنامه بسیار زیبایی که توسط گروه هنر و تئاتر بهائی اجرا گردید و شنیدن توضیحات مشاور محترم قاره‌ای آقای دکتر مک لادن که مطالبی درباره کانونشن و انتخابات بهائی بیان نمودند، همسر رئیس جمهور در نطق افتتاحیه گرم و تشویق آمیز خود از جمله اظهار داشتند: "در این فضا روحانیت حاکم است، من فکر می‌کنم که همه ما می‌توانیم این روح را در اینجا احساس کنیم. وجود این روحانیت در بین پیروان آئین بهائی چیز غیر عادی نیست..."

در نامه‌ای که روز دوم مه ۹۴ از دفتر رئیس جمهور خطاب به محفل ملی بهائیان تری‌نیداد و توباگو ارسال گردیده، از طرف همسر رئیس جمهور از دعوت مشارالیه‌ها به کانونشن ابراز سپاسگزاری شده و ضمن تقدیر از سخنان آقای مک لادن و برنامه زیبای تئاتر چنین آمده است: "...ایشان هم‌چنین دستور فرمودند که بخاطر نوار کلمات مکنونه حضرت بهاء‌الله که در جریان کانونشن دریافت داشتند از شما تشکر نمایم. سرکار علیّه و رئیس جمهور هر دو از شنیدن این نوار لذت می‌برند."

#### خبری از گوادلوپ

يك مجمع بين المحافل از محافل ملی کشورهای کارائیب و کشورهای مجاور و نمایندگان از محافل مقدس ملی امریکا، فرانسه، و کانادا در کشور گوادلوپ Guadeloupe از اول تا چهارم آوریل ۱۹۹۶ تشکیل گردید. سه تن از مشاورین قاره‌ای در این مجمع شرکت داشتند.

معهد اعلی باید توجه نمود: «بالتیابه از اقران فداکار و کامکار و بزرگوارشان در ایران چنان قیامی نمایند که سبب تسکین آلام و جبران محرومیت‌های ظاهری و موققت آنان شود.»

#### شرح زندگی حضرت آسیه خانم

با خوشوقتی اطلاع یافتیم که شرح زندگی حضرت آسیه خانم همسر حضرت بهاء‌الله که لقب نواب و ورقه علیا را نیز داشتند توسط همکار ارجمند، خانم بهاریه روحانی معانی به زبان انگلیسی نگاشته شده و توسط جرج رونالد به چاپ رسیده است (بها ۶/۵ پاند). مطالعه این اثر پرارزش را توصیه می‌کنیم.

#### گشایش سال بین‌المللی خانواده

##### توسط سازمان‌های غیردولتی

سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی از چند کشور مختلف در فاصله ۲۸ نوامبر و ۲ دسامبر ۹۲ در مالتا جلساتی داشتند و سال بین‌المللی خانواده را (۱۹۹۴) افتتاح نمودند. نمایندگان جامعه بین‌المللی بهائی در این اجتماع شرکت مؤثر داشتند. در این اجتماع جایزه‌ای (گواهینامه تقدیر) به خانم بهیه اتحادیه نماینده جامعه بهائی در برابر کمیته خانواده در وین بخاطر خدمات ایشان اعطاء گردید.

#### آموختن زبان اسپرانتو

چنان که دوستان به هنگام خود مطلع شده‌اند در کنگره جهانی اسپرانتو که در سال ۱۹۸۶ در چین (پکن) تشکیل شد ۵ هزار نفر شرکت کردند. بیت العدل اعظم الهی محافل روحانی ملی اروپا را متذکر داشتند که تا انتخاب زبان کمکی بین‌المللی در آینده آیام، آموختن زبان اسپرانتو کار مفیدی است و موجب تقویت همکاری با نهضت اسپرانتو و گسترش ابواب تفاهم بین‌المللی می‌شود. این مطلب را انجمن بریطانیائی اسپرانتو (بهائی) در شماره اخیر (آوریل ۹۴) بولتن بهائی انگلستان نوشته است. شنیده شد که نفوس بسیاری در چین به زبان

موضوع عمده بحث و مذاکرات مطالعه و تفکر درباره پیام مورخه نهم نوامبر ۹۳ بیت عدل اعظم درباره تبلیغ دسته جسمی بود. شرکت کنندگان با مطالعه این پیام و مطالب ضمیمه آن متعهد گردیدند که مطالعه این مجموعه مهم و گرانبها را در بین افراد جوامع خود تعمیم دهند تا انشاء الله همگی در راه تحقق این وعده الهی که مرزده یدخلون فی دین الله افواجا را می دهد کوشا گردند. هم هنگام با این مجمع، نخستین کنفرانس منطقه ای حقوق الله نیز با پیام ایادی امرالله جناب دکتر علی محمد ورقا امین حقوق الله تشکیل شد و در مورد تشدید و تحکیم و ادامه برنامه های آموزشی درباره حکم محکم حقوق الله مذاکراتی بعمل آمد.

دو خبر بالا را جناب فریدون رحیمی برای ما ارسال داشته اند.

انتشار عالم بهائی، کتاب سال ۹۳-۱۹۹۲ همانطور که قبلاً باستحضار خوانندگان عزیز رساندیم قرار است کتاب عالم بهائی که از سال ۱۹۲۶ شروع به انتشار آن شد، از این پس مرتباً هرساله انتشار یابد و حوادث و وقایع جامعه جهانی بهائی را در سالی که از عید رضوان آغاز می شود ارائه دارد. اینک خوشوقتیم باطلاع برسائیم که کتاب عالم بهائی مخصوص سال مقدس با مقالات پر ارزش و عکسهای تاریخی و دیدنی برای فروش عرضه شده است. اهم مقالات این شماره عبارتند از: بیانیه درباره حضرت بهاء الله، شرحی در مورد مراسم سال مقدس در ارض اقدس و نیویورک، مجملی درباره کتاب مستطاب اقدس و مقام و منزلت آن در ادبیات بهائی، امریهائی از نظر مطبوعات جهان، مجملی درباره طرحهای جیل کرمل، شرحی درباره کنفرانس سران در برزیل و فعالیتهای جامعه بهائی، طرحهای توسعه اقتصادی، وضع احباء ایران، مقدمه کتاب امقالبهائ روحیه خانم درباره دوره تصدی

حضرات ایادی امرالله و مقالات دیگر. همچنین نام متصاعدین الی الله و آمارهای دیگر بهائی در این کتاب آمده است.

#### برخی آمار بهائی

بر طبق کتاب عالم بهائی که در خبر بالا به آن اشاره شد و شماره ممالکی که در ظل امر مبارک آمده اند ۱۸۸ و شماره سرزمین های مفتوحه ۴۵ است. قبل از رضوان امسال ۱۶۵ محفل روحانی ملی و ۲۰۴۲۵ محفل روحانی محلی موجود بوده، شماره نژادها و گروهائی که بامر مبارک گرویده اند به ۲۱۱۲ رسیده، بهائیان در بیش از ۱۲۰ هزار نقطه سکونت دارند و ادبیات بهائی در ۸۰۲ زبان و لهجه ارائه شده است. شماره مؤسسات مطبوعاتی بهائی ۲۹ و عدد فرستنده های رادیوئی بهائی ۷ است.

#### تبلیغ دسته جمعی در گینه بیسائو

در یک دهکده، گینه بیسائو محفل روحانی و احباء تصمیم گرفتند که همه روستائیان اطراف آن محل را تا شعاع ۲۵ کیلومتر به امر الهی دعوت نمایند. در طی سه هفته اول اجرای طرح احباء به خانه همه اهالی سرزدند و در نتیجه هشتاد نفر ایمان خود را بامر مبارک اعلام نمودند.

#### هفتصد تازه تصدیق

با اجرای طرحی بنام ایادی فقید امرالله جناب دکتر مهاجر در جلگه جنوبی نیجریا از ژانویه امسال تا نیمه آوریل هفتصد نفر امر مبارک را تصدیق کرده و چهارده محفل روحانی جدید تشکیل گردیده است.

#### معماری نو برای جهان نو

جامعه بهائی دبستن در شرق مجارستان از تاریخ ۱۹ تا ۲۹ آوریل نمایشگاهی تحت عنوان "معماری نو برای جهان نو" ترتیب داده اند که شامل عکسهای بناهای بهائی در سراسر عالم بوده است. خود بنای نمایشگاه بشکل ستاره نه پر بود که با نورهای زیبا روشنائی می یافت و در کنار آن برنامه نمایشگاه کتاب و نمایش اسلاید و

**پیام بهائی**  
 نشریه ماهانه محفل روحانی ملی  
 فرانسه برای بهائیان  
 \*

سال شانزدهم شماره هفتم  
 شماره مسلسل ۱۷۶  
 شهرالرحمه - شهرالکلمات ۱۵۱  
 تیر - مرداد ۱۳۷۳  
 \*

نشانی هیئت تحریریه برای ارسال  
 مقالات و نامه ها و پیشنهادات  
 P.O. Box 106-1211  
 Geneve 25, Switzerland  
 \*

نشانی برای ارسال حق اشتراك، نامه  
 های مربوط به امور اشتراك و تغییر  
 نشانی  
 B.P. 9  
 06240 Beausoleil  
 FRANCE  
 Fax: 33-93-784418  
 \*

حق اشتراك سالیانه برای همه کشورها  
 ۲۲۰ فرانك فرانسه است. تقاضا دارد با  
 حواله پستی یا با چك بانكي به فرانك  
 فرانسه به نشانی بالا و یا توسط بانك  
 به شماره حساب زیر حواله گردد  
 Payam Baha'i 37261910  
 (30003) Société Générale  
 (01500) 8 Av. J.Médecin  
 06000 Nice, France  
 کلیه اشتراك ها در اول هر سال میلادی  
 تجدید میگردد. "Payam-i-Baha'i"  
 Supplement de "BAHA'I  
 FRANCE"  
 Publie par l'Assemblée spirituelle  
 Nationale des Baha'is de France.  
 45 Rue Pergolese,  
 75116 Paris, FRANCE

ویدئو و سایر فعالیتهای تبلیغی جریان داشت. قرار  
 است این نمایشگاه به سایر شهرهای مجارستان و در  
 صورت تقاضا کشورهای دیگر فرستاده شود. این خبر را  
 آقای بابک نظری مرقوم داشتهاند.

**اخبار مسرت بخش از کانادا**

در برنامه سه ساله جامعه بهائی کانادا پیش بینی  
 شده بود که در سال اول ۲۵۰ مبلغ سیار و مهاجر کوتاه  
 یا دراز مدت به سایر ممالک فرستاده شوند. این رقم به  
 ۲۶۶ رسید و بهائیان آن کشور به اروپای شرقی، چین،  
 روسیه و ممالک دیگر رفته اند. در سال گذشته با تشکیل  
 ۲۸۰ محفل روحانی محلی جدید شماره محافل روحانی  
 به ۱۴۲۶ رسید. فزون از سیصد نفر جوانان در طرحهای  
 خدمت چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی شرکت  
 جستند. بر طبق آمار مندرج در گزارش محفل روحانی  
 ملی کانادا در این سال ۴۲۳ بزرگسال، ۲۴۰ جوان و  
 ۲۸۷ کودک بر تعداد احبای آن سرزمین افزوده شده و  
 تعداد اعضا جامعه به پیش از ۲۷ هزار رسیده است.  
 محفل ملی کانادا هم چنین تصمیم گرفتهاند که هزار  
 واحد تبرع (هر واحد ۹۰۰۰ دلار) تا قبل از رضوان  
 ۱۹۹۵ برای طرحهای کوههای کرمل تقدیم دارند که  
 برآستی در خود تقدیر و تجلیل است.

**مدرسه تابستانه بهائیان فارسی زبان  
 در اسپانیا**

کمیته امور احبای ایرانی در اسپانیا خبر می دهد که  
 مدرسه تابستانه بهائیان فارسی زبان از ۱۵ تا ۱۹ اوت  
 در مدرسه لیریا - والنسیا برگزار خواهد شد و جناب  
 دیب طاهرزاده بیاناتی ایراد خواهند فرمود. لطفاً برای  
 نام نویسی قبل از اول اوت با خانم میترا محرمی تماس  
 بگیرید.

Mitra Mahrami  
 C/Funentecilla, 22 - 3<sup>o</sup> - C  
 Villariciosa De Odon  
 28670 - Madrid - Espana  
 Tel.:34-- 61 60 70 5

